

طراحی الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی با استفاده از رویکرد کیفی نظریه داده‌بنیاد

داود ملکی^{۱*}، عبدالرحیم نوه ابراهیم^۲، بیژن عبدالهی^۳ و حسن رضا زین آبادی^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی با استفاده از رویکرد کیفی نظریه داده‌بنیاد بود. داده‌های این مطالعه حاصل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۵ نفر از مدیران ارشد و میانی مشغول در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران بود که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. با استفاده از روش‌های تحلیلی اشتراوس و کوربین، داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شدند. بعد از مشخص شدن مقوله محوری (پاسخگویی به ذینفعان) و استفاده از آن برای نزدیک کردن و تشخیص روابط سایر مقوله‌های اصلی و فرعی، در نهایت، مقوله‌های شناسایی شده در قالب ابعاد شش‌گانه الگوی اشتراوس و کوربین شامل عوامل علی (منابع انسانی، علم‌گرایی در دانشگاه، ایجاد انگیزه در دانشگاه، ارزیابی کیفیت دانشگاه، توسعه بر مبنای نیازسنجی، روند آموزش و یادگیری)، مقوله اصلی (پاسخگویی به دانشجویان، بازار کار و جامعه)، عوامل زمینه‌ای (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهانی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزش عالی)، عوامل مداخله‌گر (ساختار دانشگاه، تناسب عرضه و تقاضا و امکانات آموزشی و پژوهشی)، راهبردها (جلب مشارکت، تعامل دانشگاه با جامعه، تعاملات برون‌مرزی و تأمین و تخصیص منابع) و پیامدها (مهارت‌افزایی، ارتقای اجتماعی و فرهنگی دانشجویان، ارتقای کیفی دانشگاه، ارتقای رضایت ذینفعان بیرونی، کاهش فرار نخبگان و ارتقای کارآفرینی) آشکار شدند و سازه‌های مختلف الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی را تشکیل دادند.

کلید واژگان: پاسخگویی، اثربخشی، دانشگاه آزاد اسلامی، نظریه داده‌بنیاد.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: edu_maleki@yahoo.com

۲. استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Naveh1954@yahoo.com

۳. دانشیار دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Babdollahi@yahoo.com

۴. دانشیار دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Hzeinabadi@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۹/۱۱ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۱۲

مقدمه

گسترش سریع آموزش عالی در چند دهه گذشته و لزوم ارتقا و بهبود کارایی، مسئولیت‌پذیری سازمانی مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به تحولات محیطی، جامعه و اقتصاد دانایی‌محور و تقاضاهای متفاوت و متغیر ذینفعان مانند دولت، تجارت، صنایع، سازمان‌های خدماتی، دانش‌آموزان و والدین و دیگر چالش‌های فراروی نظام‌های آموزش عالی در بسیاری از کشورها از جمله ایران، مؤسسات آموزش عالی را ملزم به استقرار تضمین کیفیت و بازاریابی در ساختار، مأموریت، اهداف و وظایف خود کرده است.

امروزه، خصوصی‌سازی آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای کاهش فشار در حال رشد برای دسترسی به فرصت‌های آموزشی بیشتر و جبران ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی بیش از پیش مد نظر قرار گرفته و مزایای آن موجب شده است تا طی سه دهه اخیر بسیاری از کشورهای جهان برای برون‌رفت از مشکلات و تنگناهای خود بدان روی آورند. علی‌رغم فراهم شدن تمهیدات لازم و رواج خصوصی‌سازی در آموزش عالی، کماکان فعالیت این بخش با چالش‌های مختلفی روبه‌روست (Rezaian, Tavakol Kowsari & Naveh Ibrahim, 2017). کاربردی نبودن آموزش‌های دانشگاهی، نبود ارتباط مناسب میان دانشگاه‌ها و سایر بخش‌های اجتماعی، بی‌توجهی به کارکردهای پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه‌ها، مشکل تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود متولیان متعدد (Edjtehadi, 1998) و رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و توان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برای پذیرش دانش‌آموختگان دانشگاهی، کاهش منابع مالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی لازم، از جمله چالش‌هایی است که نظام آموزش عالی برای مقابله با این چالش‌ها ناچار از توجه به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت در محیط آموزش عالی است (Mohammadi, 2008).

دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان سومین دانشگاه جهان از نظر تعداد دانشجو، پنج میلیون دانش‌آموخته در دوره‌های مختلف، ۱۰ میلیون متر مربع فضای آموزشی مسقف و به‌عنوان بزرگ‌ترین دانشگاه حضوری جهان، سهم بالایی از ظرفیت‌های آموزش عالی (غیردولتی) در کشور را دارد و طراحی الگوی پاسخگویی دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند با توجه به کارکردهای بسیار مثبت و اثرگذار پاسخگویی در بالندگی و تعالی دانشگاه‌ها، در شناسایی نقاط ضعف و قوت این دانشگاه و رهنمون شدن آن به سوی نقطه شایسته و تعالی خود نقشی استراتژیک داشته باشد. بررسی سوابق پژوهشی و نبود الگویی مناسب به‌منظور تعیین میزان پاسخگویی دانشگاه آزاد اسلامی، ضرورت طراحی ابعاد پاسخگویی و تدوین الگوی متناسب را ضروری می‌سازد. در همین خصوص و بر اساس داده‌های زمینه‌ای حاصل از بررسی ادراکات و نگرش‌های متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاهی، عوامل مؤثر بر پاسخگویی بر اساس مدل نظریه

داده‌بنیاد^۵ شکل می‌گیرد تا در نهایت، دیدگاه روشن‌تری درباره تدوین الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی به‌دست بدهد. با توجه به نکات ذکر شده، در پژوهش حاضر پاسخگویی به سؤالات زیر مد نظر بود:

۱. مقوله محوری الگوی پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی کدام است؟
۲. عوامل علی مؤثر بر پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی کدام‌اند؟
۳. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران کدام‌اند؟
۴. عوامل مداخله‌گر مؤثر بر پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران کدام‌اند؟
۵. راهبردهای پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی کدام‌اند؟
۶. پیامدهای پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی چیست؟
۷. چه الگوی مفهومی را می‌توان برای پاسخگویی اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی ارائه داد؟

مبانی نظری و پیشینه

یکی از راه‌های ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها، ارزیابی و سنجش میزان پاسخگویی آنهاست و اینکه پاسخگویی در طول زمان چه تغییری کرده و این تغییر به چه دلیل بوده است. با کمک شاخص‌های عملکردی می‌توان عملکردهای خاص، ایده‌های نظری، هنجارها، هدف‌های تعیین شده، عملکرد گذشته و نیز وضعیت موجود و مطلوب دانشگاه‌ها را بررسی و با معیارهای مطلوب مقایسه کرد. برخی از این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مقالات علمی - پژوهشی، ثبت اختراع، بودجه تحقیقات، تعداد قبولی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، کتب تألیفی، سهم نسبی مرتبه دانشجویی و استادی اعضای هیئت علمی، سرانه بودجه جاری دانشجو، رایانه‌های متصل به اینترنت، طرح‌های تحقیقاتی اعضای هیئت علمی و سرانه فضای آموزشی (Akbari, 2010). هنگ چنگ (Hong-Cheng, 2011) پاسخگویی را این‌گونه تعریف کرده است: "پاسخگویی اصلی است که بر اساس آن افراد و سازمان‌ها مسئول اعمالشان هستند. وقتی که اعمال و تصمیمات آشکارا زیر سؤال می‌روند، مردم حق دارند که از آنها بخواهند تا درباره رفتارهایشان توضیح بدهند". ترو (Trow, 1996) پاسخگویی را الزام به گزارش‌دهی، توضیح، توجیه و پاسخگویی به این سؤالات که منابع چگونه مصرف شده و چه اثرهایی داشته است، تعریف می‌کند. او سؤالات بنیادی در خصوص پاسخگویی را چنین بیان می‌کند: "چه کسی، برای چه چیز، به چه کسی، از طریق چه ابزاری و با چه پیامدهایی پاسخگوست" (Rothchild, 2011).

انجمن ارزشیابی آمریکا^۶ نظام پاسخگویی را به‌عنوان سازوکارهایی تعریف می‌کند که با آنها مسئولیت و کسانی که مسئول هستند، شناخته می‌شوند، شواهد و مدارک جمع‌آوری و ارزیابی می‌شوند و مبتنی بر نتایج این ارزیابی‌ها، راه حل‌ها، کمک‌ها، پاداش‌ها، تنبیه‌ها و توبیخ‌های متناسب به‌وسیله مقامات بالاتر

5. Grounded Theory

6. The American Evaluation Association (AEA)

ارائه و به کار گرفته می‌شود (Mozaffari, 2011). وزارت آموزش عالی و توسعه بازار کار ایالت بریتیش کلمبیای کانادا با مشورت مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های عمومی آن کشور، نظام پاسخگویی مبتنی بر نتایج را برای آموزش عالی کانادا طراحی کرده است و دو هدف عمده را دنبال می‌کند: بهره‌مندی دانشجویان از آموزش و یادگیری با کیفیت متناسب با نیازهای بازار کار و بهره‌مندی تمام شهروندان از مشارکت نظام آموزش عالی در توسعه اقتصادی-اجتماعی.

بورک (Burke, 2005) انتظارات جدیدی را از پاسخگویی از طریق بررسی مثلث پاسخگویی تعریف می‌کند؛ یعنی پاسخگویی آموزش عالی به اولویت‌های ایالت، مسائل علمی و نیروهای بازار. رمزک (Romzek, 2000) مدل‌های پاسخگویی را به انواع سیاسی، قانونی، سازمانی و حرفه‌ای با توجه به دو منبع نظارت درونی و بیرونی و میزان استقلال تفکیک کرده است. گاف (Goff, 2000) با تأکید بر مسئولیت‌پذیری کلیه نقش‌آفرینان در امر آموزش و یادگیری فراگیران، الگوی جامع پاسخگویی را ارائه داده است. کات و مورای (Cut & Murray, 2000) در الگوی چهارچوب مکعبی فرایندهای ارزشیابی و پاسخگویی، برای درک فرایندهای ارزشیابی و پاسخگویی در یک بعد به سه سطح برنامه‌ها، عملکرد واحدها و عملکرد کل سیستم توجه کرده‌اند. در بعد دوم دروندادها، فرایندها و پیامدها ارزشیابی و در بعد سوم الگوهای رسمی و غیررسمی ارزشیابی و پاسخگویی اعمال می‌شوند.

پرداختچی و همکاران (Pardakhtchi, Bazargan, Arasteh & Mozaffari, 2012) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه جامعه علمی، میزان پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌های مادر دولتی به ذینفعان کلیدی بیرونی ضعیف است و بین وضعیت آرمانی و وضعیت موجود پاسخگویی بیرونی اختلاف معنادار وجود دارد. بیشترین میزان این شکاف به ترتیب در خصوص پاسخگویی دانشگاه به ذینفعان بازار کار، جامعه علمی و جامعه مدنی است، در حالی که پاسخگویی به دولت بیش از حد انتظار است.

میلانی و همکاران (Milani, Qasemzadeh & Hassani, 2016) درباره استقلال دانشگاه و نقش آن در پاسخگویی و تضمین کیفیت خدمات دانشگاه در نظام آموزش عالی بررسی کردند و نشان دادند که دانشگاه از نظر استقلال دانشگاهی و پاسخگویی وضعیت مطلوبی ندارد، ولی از نظر تضمین کیفیت در حد متوسط است و بین استقلال دانشگاهی با پاسخگویی و تضمین کیفیت ارتباط معنادار مشاهده شد و می‌تواند تا حدودی آن را پیش‌بینی کند. نتایج پژوهش هادی و همکاران (Hadi, Rezapour & Salmanpour, 2016) در بررسی شاخص‌های سنجش کیفیت آموزش عالی بر اساس مدل کانو در دانشگاه ارومیه نشان داد که بین انتظارات دانشجویان از محتوا، ساختار و امکانات دوره‌های دانشگاه و ویژگی‌های استادان با ادراک آنان تفاوت معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، میزان ادراکات دانشجویان از چهار بعد (محتوای دوره، ساختار دوره، ویژگی‌های استادان و امکانات دوره) در دانشگاه ارومیه پایین‌تر از انتظارات آنان است.

صادقی و همکاران (Sadeghi, Hedayati & Misaghifar, 2017) در پژوهشی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های استادان دانشگاه فرهنگیان، متناسب با شرایط بومی ایران، شش حوزه اصلی (طراحی برنامه درسی، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی، پژوهش و اشاعه آن، زیرساخت‌ها و منابع آموزشی، حمایت از پیشرفت یادگیرنده و سازمان و مدیریت)، ۲۵ بعد و ۷۵ نشانگر کیفیت را برای نظام دانشگاهی تربیت معلم ایران شناسایی کردند. نتایج پژوهش صالحی عمران و هدایتی (Salehi Omran & Hedayati, 2018) نشان داد که تنوع گروه‌های ذی‌نفع و نبود سازوکار مؤثر خط‌مشی‌گذاری برای یکپارچه‌سازی شرایط عالی، ناهنجاری‌های نهادینه فرهنگی و نگاه گزینشی خط‌مشی‌گذاران از شرایط مداخله‌گر نظام آموزش عالی ایران است که از طریق ایجاد نظام پایش مبتنی بر شواهد در فرایند خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی به تبدیل ضعف‌ها و تهدیدهای موجود به فرصت‌های بالقوه منجر می‌شود.

نتایج پژوهش ملکی‌نیا و همکاران (Malekinia, Malekinia & Faizi, 2018) حاکی از آن است که نظام آموزش عالی کشور برای واکنش مناسب به تحولات جهانی شدن نیازمند اتخاذ چهار استراتژی توسعه کیفی به موازات گسترش کمی، متنوع‌سازی منابع تأمین مالی، تجاری‌سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت و افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی است. در پژوهش شریعتی و همکاران (Shariati, Amin Beidakhti & Najafi, 2019) شرایط عالی (شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان، عوامل آموزشی و عوامل مدیریتی)، زمینه‌ای (بسترسازی فرهنگی و بسترسازی اقتصادی)، مداخله‌گر (عوامل بین‌المللی و عوامل تکنولوژیکی)، راهبردها (برون‌سپاری، توانمندسازی، توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی) و پیامدها (رشد اقتصادی، بهبود عوامل آموزشی و توسعه اجتماعی) ارائه شد. میرسپاسی و همکاران (Mirsapasi, Dadash Karimi & Najaf Beigi, 2019) عوامل شفافیت سیاسی اجتماعی، شفافیت اقتصادی، شفافیت اداری (بوروکراتیک)، پاسخگویی سیاسی- اجتماعی، پاسخگویی اداری (بوروکراتیک)، مشارکت سیاسی- اجتماعی، مشارکت اقتصادی و مشارکت اداری (بوروکراتیک) را در طراحی مدل حکمرانی در آموزش عالی کشور نشان دادند.

یافته‌های پژوهش کیخا و همکاران (Kikha, Abdullahi & Khorsandi Taskooh, 2019) نشان داد که عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در سطح کلاس درس به چهار دسته استاد (آکادمیکی و شخصیتی)، دانشجو (تحصیلی و نگرشی - شخصیتی)، محتوای درسی (ساختاری و اجرایی) و امکانات و زیرساخت‌ها (زیرساخت سخت و تکنولوژیکی - علمی) تقسیم می‌شوند. موانع آموزش با کیفیت در آموزش عالی نیز به دو دسته درون دانشگاهی (استاد، دانشجو، محتوای درسی و امکانات و زیرساخت‌ها) و فرادانشگاهی (در سطح خرد و سطح کلان) تفکیک می‌شوند که متناظر با موانع، راهکارهایی برای کیفیت‌بخشی به آموزش عالی نظیر بازنگری نظام ارتقای اعضای هیئت علمی، گسترش ارتباط با مجامع بین‌المللی، بازساماندهی ارتباط دانشگاه با صنعت و اصلاح فرایند جذب اعضای هیئت علمی پیشنهاد شد.

نناوی (Neave, 2001) در کشورهای اروپایی تحولات آموزش عالی را از بعد پاسخگویی و کنترل بررسی کرد و مفاهیم مختلفی که از پاسخگویی در آموزش عالی در پژوهش او استخراج شد، عبارت‌اند از: کنترل امور مالی، مشخص شدن وضعیت و جایگاه تصمیم‌گیری در درون و بیرون از دانشگاه‌ها، نمود مشارکت و نمایندگی در دانشگاه‌ها، نظارت بیرونی بر موفقیت و پیشرفت دانشجویان به‌عنوان عاملی مهم در حسابرسی دولتی و تأکید بر پاسخگویی متخصصان آموزش عالی به مردم و نمایندگان آنها. در پژوهش دایجل و کیوکو (Daigle & Cuocco, 2002) انواع مختلف پاسخگویی، چگونگی کاربرد آن در آموزش عالی آمریکا و نقش فناوری اطلاعات در پاسخگویی بررسی شد و نتایج بر این امر تأکید داشت که نظام‌های پاسخگویی موفقیت‌آمیز همواره ابعاد چندگانه و سیاسی دارند. همچنین مدیران فناوری اطلاعات در تحقق نظام‌های پاسخگویی نقش بسزایی دارند.

مک کومبز (Mccombs, 2003) درباره رابطه بین آموزش عالی، پاسخگویی و استقلال طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ در کشور آمریکا بررسی کرد و نتایج نشان داد که در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تنش‌های بسیاری در خصوص مباحث استقلال و پاسخگویی بین دولت‌ها و مراکز آموزش عالی وجود داشته است. در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ دولت‌ها در پی اعمال کنترل بیشتر بر اقدامات، رسالت‌ها و اهداف مؤسسات آموزش عالی برآمده‌اند. از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بعد بحث پاسخگویی و استقلال با تأکید بر عملکرد مؤسسات آموزش عالی مد نظر قرار گرفت و مباحثی چون آموزش عالی رایگان، ارائه محصولات حرفه‌ای و کارآمد برای جامعه مطرح شد. رثچایلد (Rothchild, 2011) درباره تبیین و ارزیابی سازوکارهای پاسخگویی در محیط تبادل میان رهبران آموزش عالی ایالت (اعضای کمیته و رهبران سیستم) و رهبران مؤسسات بررسی کرد و نشان داد که چهار سازوکار مهم برنامه‌ریزی استراتژیک، بودجه ایالت، اعتبارسنجی مؤسسه و سیاست‌های سیستم، از نظر رهبران مؤسسات هم در ایالت‌های با عملکرد پایین و هم در ایالت‌های با عملکرد بالا سهم بالایی دارد. اسپزیاله (Speziale, 2012) درباره تأثیر جهانی شدن بر پاسخگویی آموزش عالی بررسی کرد و چنین نتیجه گرفت که مقایسه میان دو دانشگاه نشان می‌دهد که آنها تا حدی در پیچیدگی‌ها مشابه، اما در زمینه تاریخچه، سنت‌ها، محیط فرهنگی و اقتصادی و چارچوب‌های شکل‌گیری بسیار متفاوت هستند.

در پاسخگویی آموزش عالی، کچلن (Kelchen, 2018) دلیل منطقی بودن پاسخگویی را آشکار می‌کند و به تشریح توسعه تاریخی چگونگی سیاست‌های فدرال و ایالتی، شیوه‌های اعتباربخشی، منافع بخش خصوصی و الزامات داخلی برای موفقیت و بقای نهادی می‌پردازد. با وجود بسیاری از نهادهای متنوع و متناقض که دانشکده‌ها را مسئول عملکرد خود می‌دانند، انواع نظام‌های پاسخگویی می‌توانند عواقب در نظر گرفته شده و ناخواسته داشته باشند. در بحث‌های فعلی درباره چگونگی بهترین پاسخگویی به این فشارها، دانشکده‌ها و مدیران از این حساب به‌روز و به‌موقع استقبال می‌کنند که نه تنها نگاهی به شیوه‌های فعلی، بلکه بررسی آینده مسئولیت‌پذیری در آموزش عالی را ایجاد می‌کند. در یک گزارش جدید در آمریکا، طیف گسترده‌ای از تغییرات در سه منبع تنظیم مقررات آموزش عالی شامل

اعتباردهندگان، آژانس‌های ایالتی و وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده توصیه شده است. این نهادهای نظارتی قادر به نظارت کافی بر دانشکده‌ها نیستند و هیچ‌کس از اعضای این گروه به اقدام جدی علیه یک مؤسسه آموزش عالی تمایل ندارد. همچنین توصیه شده است که دولت فدرال "نظارت حداقلی" بر اعتباردهندگان را بازگرداند و اطمینان حاصل کند که نتایج دانشجویان از دیگر پیشنهادها معتبر برای اجرای امور باشد. در این گزارش آمده است که کشورها باید با جمع‌آوری شکایت‌ها درباره دانشکده‌ها و کالج‌ها، نقش خود را در حمایت از مصرف‌کنندگان آموزش عالی تقویت کنند. توصیه‌های مربوط به اداره آموزش و پرورش شامل یک ساختار اصلاح‌شده برای کمک‌های دانشجویی فدرال، افزایش بازنگری‌های مبتنی بر خطرپذیری در دانشکده‌ها و بهبود نظارت مالی دانشکده‌های خصوصی از جمله موارد دیگر است (Fain, 2019). نیکولو و همکاران (Nicolo, Manes-Rossi, Christiaens & Aversano, 2020) در پژوهشی با عنوان "پاسخگویی از طریق افشای سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایتالیا" به تجزیه و تحلیل تجربی از گزارش‌های سالانه دانشگاه‌های دولتی ایتالیا برای سال ۲۰۱۴ از طریق تجزیه و تحلیل محتوا پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که سرمایه انسانی و داخلی (سازمانی) آشکارترین مقولات سرمایه فکری است. همچنین استقلال هیئت مدیره و اندازه دانشگاه در پاسخگویی دانشگاه‌های عمومی ایتالیا تأثیر مثبت دارد و روش‌شناسی اتخاذ شده در این مطالعه می‌تواند برای سایر کشورها تکرار شود تا آنها درک بهتری از چگونگی رفع نیازهای اطلاعات ذینفعان داشته باشند.

در تحقیقات اخیر چگونگی شکل‌گیری ارزش‌های شخصی ذینفعان دانشگاه در مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها بررسی شده است. علاقه دانشگاه‌ها به مسئولیت آنها در قبال جامعه، فراتر از اهداف اساسی دانشگاهی مربوط به ایجاد، انتقال و حفظ دانش در جامعه، از دهه ۱۹۷۰ گسترده‌تر شده است. با تکامل مسئولیت‌های اجتماعی، دانشگاه‌ها شروع به جست‌وجوی سؤالاتی درباره مکانیسم‌هایی کرده‌اند که از طریق آنها اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌ها بر رفتار مسئولانه اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد (Potocan, Alfiric & Nedelkom, 2020). در مطالعه‌ای به منظور بررسی موضوعاتی که مانع اثربخشی دانشگاه‌های دولتی نیجریه می‌شوند، از نظر چارچوب مفهومی از بنیاد اروپایی مدل تعالی سازمانی (EFQM) اقتباس شد. این مطالعه به صورت کیفی بود و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با هشت شرکت‌کننده از جمله معاون، رئیس دپارتمان و سخنرانانی که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه شد. یافته‌ها نشان داد که رهبری، مسائل دانشگاهی و اداری، موضوعات متنی و بودجه مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اثربخشی دانشگاه‌های دولتی در کشور نیجریه است (Jimoh Kayode & Rathankumar Naicker, 2020).

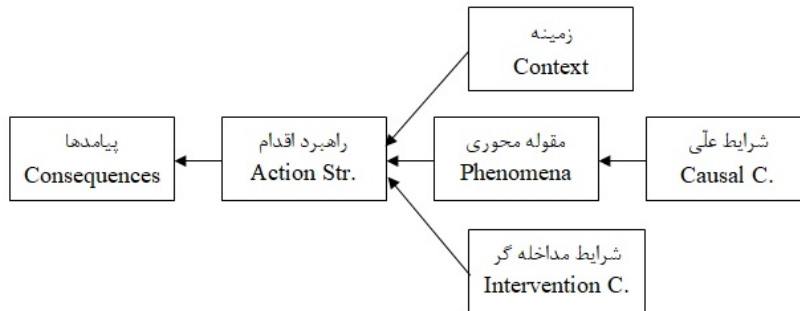
جدول ۱- خلاصه‌ای از مطالعات اصلی انجام شده

Goff, 2000; Neave, 2001; Burke, 2005; Rothchild, 2011; Speziale, 2012	مشارکت ذینفعان دانشگاه
Burke, 2005	تأمین و تخصیص منابع
Neave, 2001; Hadi et al., 2016; Mirsapasi et al., 2019; Sadeghi et al., 2017	ساختار سازمانی
Potocan et al., 2020; Sadeghi et al., 2017	علم گرائی در دانشگاه
Daigle & Cuocco, 2002; Nicolo et al., 2020; Jimoh Kayode & Rathankoomar Naicker, 2020; Shariati et al., 2019	منابع انسانی
Kikha et al., 2019	ایجاد انگیزه در دانشگاه
Neave, 2001; Jimoh Kayode & Rathankoomar Naicker, 2020	توسعه بر مبنای نیازسنجی
Sadeghi et al., 2017; Shariati et al., 2019	روند آموزش و یادگیری
Rothchild, 2011; Fain, 2019	ارزیابی کیفیت دانشگاه

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش در زمره تحقیقات کیفی بود. سریع‌ترین روش برای بررسی تجارب و ادراکات مدیران و صاحب‌نظران درباره مؤلفه‌های مؤثر بر پاسخگویی دانشگاه آزاد اسلامی استفاده از مطالعات پیمایشی است؛ با وجود این، سابقه استفاده از چنین روش‌هایی نشان می‌دهد که نتایج حاصل از آنها با وجود عینیت و فهم سریع، معمولاً سطحی هستند؛ این در حالی است که موضوع پاسخگویی جنبه‌های ناپیدا و ضمنی دارد که استفاده از روش‌هایی نظیر مصاحبه می‌تواند اثربخش‌تر باشد، چرا که با کمک آن می‌توان ارزیابی دقیق‌تری از موضوع داشت (Sarmad, Bazargan & Hejazi, 2005).

در این پژوهش با رویکردی کیفی و با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی تدوین شد. در روش نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1992) محقق یک چارچوب نظری تولید می‌کند که هر طبقه با توجه به شرایط علی (که به‌طور مستقیم به پدیده اصلی منجر می‌شوند)، پدیده اصلی یا محوری (که به‌طور مستقیم از موجبات علی اثر می‌پذیرد و به راهبردها و پیامدها منجر می‌شود)، شرایط محیطی (که به‌عنوان زمینه ساختاری وسیع‌تر با واسطه بر پدیده اصلی و راهبردها تأثیر دارند)، شرایط مداخله‌گر (که بر عوامل همبافت و بی واسطه دلالت می‌کنند)، راهبردها (عمل یا تعاملات مشخص که از پدیده مرکزی نشئت می‌گیرند) و پیامدها (نتیجه پدیده که از طریق عمل و تعاملات درگیر هستند) بررسی می‌شود.



شکل ۱- الگوی اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1992)

داده‌های این مطالعه حاصل انجام دادن مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۵ نفر از مدیران ارشد و میانی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران بود که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. روش مصاحبه نیمه ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه پیدا کرد که اشباع^۷ در اطلاعات گردآوری شده حاصل شود. در تحلیل داده‌ها از روش مرحله‌ای و روش‌های تحلیلی اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) استفاده شد؛ به نحوی که با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل عبارات یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. در مرحله کدگذاری باز پس از خوانش تمام مصاحبه‌ها، مفاهیم مربوط به هر مصاحبه احصا شد. در مرحله بعد مفاهیم احصا شده بر اساس وجوه افتراق و اشتراک در قالب مقوله‌های فرعی ثانویه دسته‌بندی شدند. در بخش سوم فرایند کدگذاری، مقوله‌های ثانویه فرعی نیز بر پایه تشابهات و تفاوت‌ها در یکدیگر ادغام شدند و مقوله‌های ثانویه اولیه را شکل دادند. این فرایند به‌طور جداگانه در پاسخگویی به هر پرسش مصاحبه انجام شد و در نهایت، مفاهیم اولیه در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی در هفت مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. برای ارزشیابی پژوهش‌های مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به جای معیارهای روایی و پایایی، معیار مقبولیت پیشنهاد شده است. مقبولیت بدین معناست که یافته‌های تحقیق تا چه حد در بازتاب تجارب مشارکت‌کنندگان، محقق و خواننده در خصوص پدیده مورد مطالعه موثق و باورپذیر است. برای حصول اطمینان از دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش از راهبردهای تطبیق توسط اعضا^۸ و انعکاس‌پذیری پژوهشگر استفاده شد. در این خصوص، برخی از مشارکت‌کنندگان مرحله نخست، مقوله‌های به‌دست آمده را بازبینی و نظر خود را ابراز کردند و دو نفر از متخصصان نیز یافته‌ها را بررسی و درباره آنها اظهار نظر کردند.

7. Saturate

8. Member Checking

یافته‌ها

از طریق کدگذاری باز، مفاهیم به دست آمده در قالب مقوله‌های فرعی و در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های فرعی حول مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی شدند. در طول فرایند کدگذاری انتخابی و فرایند تلفیق برای یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه، متن مصاحبه‌های انجام شده چندین بار بررسی شد و بعد از مشخص شدن پدیده اصلی و استفاده از آن برای نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بود، مد نظر قرار گرفت. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و الگوی پاسخگویی اثربخش شکل گرفت.

مقوله محوری: مقوله محوری در پژوهش حاضر پاسخگویی به نیازهای ذینفعان بود. سه مقوله فرعی پاسخگویی به نیاز دانشجویان، پاسخگویی به نیاز بازار کار، پاسخگویی به نیاز جامعه تشکیل‌دهنده مقوله محوری و پاسخگویی به نیازهای ذینفعان بودند. چگونگی اکتشاف مقوله محوری را می‌توان به نقل قول مصاحبه شونده‌گان ارجاع داد: "دانشگاه‌های ما با جامعه در عمل ارتباط ندارند و در دانشگاه بیشتر تأکید روی نظریه‌پردازی است". "اصولاً دانشگاه‌ها بر اساس یک نیازسنجی مستمر رشته‌ها را دایر و اداره نمی‌کنند یا محتویات دروس و رشته‌ها مبتنی بر نیازهای بازار کار و مشاغل نیست". "امروزه، دانشگاه‌های ما باید به دور از روزمرگی، مشکلات جامعه و کشور را بشناسند و برای حل آن وارد صحنه شوند". "بازار کار برای بسیاری از رشته‌های دانشگاهی وجود ندارد و از طرف دیگر، پذیرش دانشجو در آن رشته‌ها بسیار زیاد است و بنابراین، قبل از پذیرش باید نیازها ارزیابی شوند تا باعث ناامیدی دانش‌آموختگان نشود".

جدول ۲- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به مقوله محوری

مقوله محوری: پاسخگویی به ذینفعان
مقوله فرعی اول: پاسخگویی به دانشجویان
مفاهیم: توجه به نیازهای دانشجویان، اولویت‌دار بودن نیازهای دانشجویان، برنامه‌های منطبق با نیازهای دانشجویان، توجه به انتظارات دانشجویان، پاسخگویی به نیازهای دانشجویان در آموزش زبان خارجی، پاسخگویی به نیازهای متنوع دانشجویان، پاسخگویی به دانشجویان، نزدیکی میان دانشجویان و استادان، توجه به حوزه دانشجویی، دسترسی دانشجویان به آموزش عالی، دسترسی دایمی دانشجویان به تمام امکانات دانشگاه، کارایی دانشگاه برای دانشجویان در بخش صنعت و تحقیقات، امکانات رفاهی برای دانشجویان، ارتباط با دانش‌آموختگان، ارتباط با استادان، ارتباط با دانشجویان و گزارش‌دهی شفاف به عوامل درونی دانشگاه.
مقوله فرعی دوم: پاسخگویی به جامعه
مفاهیم: حل مشکلات جامعه، توجه به نیازهای جامعه، اولویت‌دار بودن نیازهای جامعه، انطباق با نیازهای محیط، پاسخگویی به مشکلات جامعه، ارتباط پژوهش‌ها با نیازهای ملموس جامعه، پاسخگو بودن دانشگاه به جامعه، پاسخگویی به نیازهای جامعه، توسعه آموزش عالی به‌عنوان دغدغه جامعه، توجه به رفع مشکلات مردم، توجه به نیازهای کشور، انجام دادن مسئولیت‌های اجتماعی، توجه دانشگاه‌ها به مشکلات جامعه و کشور، مشخص بودن نقش دانشگاه‌ها در حل مشکلات جامعه و کشور، توجه به نیازهای منطقه‌ای، تطابق توسعه آموزش عالی با نیازهای جامعه، تطابق محتوای دروس با نیازهای اساسی جامعه، تناسب با نیازهای نوپدید جامعه، ارتباط دانشگاه با جامعه، توجه به نیازهای زیست‌محیطی، توجه به نیازهای جامعه، برقراری تناسب مستمر با اهداف جامعه، قرار گرفتن مقالات در مسیر پیشرفت و توسعه جامعه، کمک دانشگاهیان به نشاط جامعه، توجه به نیازهای روز جامعه، تعهد داشتن به مشکلات جامعه،

ایقای نقش مؤثر در جامعه، توسعه متناسب با نیاز جامعه، مسئولیت دانشجویان در قبال جامعه، تعهد اجتماعی دانشجویان، پاسخگویی به انتظارات جامعه، ارتباط دانشگاه با جامعه، توجه به توسعه متناسب با نیاز جامعه، تغییرات سریع در محتوا متناسب با نیاز جامعه، توجه به نیازهای تمام ذینفعان آموزش عالی، تولید علم در جامعه، نشر علم در جامعه، ایجاد نشاط در جامعه، ایجاد تحرک و پویایی در جامعه، اولویت داشتن نیازهای جامعه در برنامه‌های دانشگاه، تقویت هویت ملی، تقویت انسجام ملی، مقابله با آسیب‌های اجتماعی، کمک به عدالت اجتماعی بر اساس شایسته‌سالاری، عرضه خدمات تخصصی به جامعه، مسئولیت‌پذیری دانشگاه در قبال پول و امکانات ذینفعان بیرونی، مسئولیت‌پذیری دانشگاه در قبال حمایت ذینفعان بیرونی، پاسخگویی به شهروندان، ارتباط با کمک‌کنندگان مادی و معنوی به دانشگاه، ارتباط با رسانه‌ها، وجود داشتن نهاد ارتباط با ذینفعان، گزارش‌دهی فعال و اثربخش به ذینفعان بیرونی، گزارش‌دهی عملکرد دانشگاه به جامعه و پاسخگویی به نیازهای سازمان‌های مدنی.

مقاله فرعی سوم: پاسخگویی به بازار کار

مفاهیم: مطابقت دروس و رشته‌ها با نیازهای بازار کار، اولویت‌دار بودن نیازهای بازار کار، توجه به نیازهای بازار کار منطقه استقرار دانشگاه، انطباق با نیازهای بازار کار، ارتباط دانشگاه و بازار کار، تطابق رشته‌ها با نیازهای بازار کار، پذیرش متناسب با نیاز بازار، ارتباط ضعیف نیاز آموزشی با نیاز اقتصادی، پاسخگویی به نیازهای صنعت، ارتباط برخی از رشته‌های آموزشی با ساختارهای اقتصادی کشورهای پیشرفته، توجه به نیازمندی‌های بازار کار، تأمین نیازهای ذینفعان، نظارت بر عملکرد استادان بر اساس عملکرد دانشجویان در بازار کار، تناسب تخصص‌ها با نیازهای بازار کار، تأمین نیازهای آموزشی بازار کار، تأمین نیازهای پژوهشی بازار کار، تأمین نیازهای مشاوره‌ای بازار کار و ارتباط با صاحبان صنایع و کارفرمایان.

عوامل علی: تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها شش مقوله اصلی را به‌عنوان عوامل علی مؤثر بر پاسخگویی

اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی نشان داد که عبارت‌اند از: منابع انسانی، علم‌گرایی در دانشگاه، ایجاد انگیزه در دانشگاه، ارزیابی کیفیت دانشگاه، توسعه بر مبنای نیازسنجی و روند آموزش و یادگیری.

منابع انسانی: استادان توانمند و صاحب صلاحیت‌های علمی و فنی مناسب از عوامل بنیادی مؤثر در کیفیت نظام‌های آموزش عالی هستند. تلاش برای جذب و حفظ استادان توانمند از ضرورت‌های حیاتی مطرح شده برای تصمیم‌سازی دانشگاهی به‌شمار می‌رود (Towfighi & Farasatkah, 2002). این مقوله اصلی دارای سه مقوله فرعی شامل بلوغ حرفه‌ای کارمندان، بلوغ حرفه‌ای مدیران و بلوغ حرفه‌ای استادان است. مطلعان کلیدی در این خصوص چنین اظهار کرده‌اند: "ارزش و اعتبار هر دانشگاهی در درجه اول به کادر آموزشی واجد صلاحیت است. کادر آموزش بدون صلاحیت به‌منزله آموزش ضعیف و پژوهش غیرخلاق است. به همین دلیل، گروه‌های آموزشی و دانشگاه‌ها باید توجه زیادی را به گزینش افراد و مدیریت منابع انسانی اختصاص دهند". "دانشگاه‌ها به‌عنوان موتور تولید علم و دانش کشور باید از کادر اداری و آموزشی توانمند برخوردار باشند". "توانمندی مدیران و کارکنان در انجام دادن امور و توجه ویژه به شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران و قدردانی از کارکنان نمونه نقش کلیدی در تأمین رضایت دانشجویان و ایجاد انگیزه در کادر آموزشی دارد".

علم‌گرایی در دانشگاه: وظایف اصلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تولید علم، انتقال دانش (تربیت نیروی انسانی متخصص) و عرضه خدمات تخصصی به جامعه است. انجام دادن بهینه هر یک از این وظایف منوط به داشتن تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای و نیز آماده ساختن پژوهشگرانی است که قادر به اجرای این تحقیقات باشند (Samiei Rad & Ghasemi, 2014). مطابق یافته‌ها این مقوله

از دو مقوله فرعی اولویت پژوهش و مدیریت دانش تشکیل شده است. مطلعان کلیدی در این خصوص چنین اظهار کرده‌اند: خیلی‌ها هم بعد از ورود به دنبال این هستند که زودتر واحدها را پاس کنند و فارغ‌التحصیل شوند، نمره بیشتری بگیرند و از این مسائل. استادان هم سرشان شلوغ است یا سمت اجرایی دارند یا شغل دوم و ... در خارج از دانشگاه و به همین دلیل، وقت کمی می‌گذارند." اکثر موضوعات پژوهشی از بین اولویت‌های جامعه انتخاب نمی‌شوند یا اصلاً اولویت‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند و در این رابطه طرح کلانی که دانشجو در دانشگاه بخواهد روی آن کار کند در کشور وجود ندارد و انتخاب بیشتر موضوعات پژوهشی سلیقه‌ای و ذهنی است." اصلاً اکثر دانشجویان این هستند که استاد زیاد سخت نگیرد و استاد هم انتظاراتش را پایین می‌آورد. دانشجویان انواع و اقسام دلایل را می‌آورند که استاد از آنها چیزی نخواهد تا بتوانند مدرکشان را بگیرند."

ایجاد انگیزه در دانشگاه: انگیزه‌ها نیازها، تمایلات و ساق‌های رفتاری و مبین چرایی رفتار افراد و اساساً مقدم بر رفتار هستند (Lizzio & Wilson, 2009). انگیزش دارای سه مقوله فرعی انگیزش دانشجویان، کارکنان و استادان است. در خصوص این مقولات، مطلعان کلیدی چنین اظهار کرده‌اند: "در بحث انگیزه دانشجویان، یک مسئله شهریه آنهاست که بخش زیادی از آن از طریق دانشجویان و خانواده آنها تأمین می‌شود و در قبال آن کیفیت خدمات آموزشی، پژوهشی و رفاهی دریافت شده است." "یک جور بدبینی و بی‌انگیزگی و حس ناامیدی با دانشجو همراه شده است." "خیلی از دانشجویان ارشد و دکتری با این انگیزه [به دانشگاه] می‌آیند که بعداً بتوانند با مدرک آن زندگی کنند و پول بیشتری در بیاورند." "برای دانشجویان فرصت شغلی کافی مرتبط با تخصص آنها وجود ندارد یا در جامعه علمی یا حرفه‌ای به آنها اعتماد نمی‌شود و مورد پذیرش واقع نمی‌شوند و این موضوع و تصور آن از انگیزه آنها در مشارکت در فعالیت‌های علمی و پژوهشی می‌کاهد." "در بسیاری از موارد کارکنان از انگیزش کافی در ارائه خدمات برخوردار نیستند، زیرا حجم کار متناسب با حقوق و مزایای دریافتی آنان نیست یا حقوق دریافتی کفاف هزینه‌های آنان را نمی‌دهد؛ از طرف دیگر، گاهی ملاک انتساب مدیران عادلانه و مبتنی بر کارآمدی افراد نیست و این جور بی‌انگیزگی ایجاد می‌کند."

توسعه بر مبنای نیازسنجی: این مقوله از دو مقوله فرعی نیازسنجی و توسعه هدفمند تشکیل شده است. مطلعان کلیدی در این خصوص چنین گفته‌اند: "اصولاً واحدهای دانشگاهی بر اساس یک نیازسنجی مستمر رشته‌ها را بازگشایی و اداره نمی‌کنند." "با توجه به مشکلات مالی، پذیرش در بسیاری از رشته‌ها زیاد است، با وجود اینکه بازار کاری ندارند و این باعث ناامیدی دانشجو و فارغ‌التحصیل می‌شود. لذا، باید نیازسنجی صورت گیرد." "گسترش آموزش عالی بیش از هر چیز نشان‌دهنده خواسته مردم برای کسب علم در جهت بهبود زندگی خود و دیگر افراد جامعه است. اما آموزش عالی در ایران هیچ‌گاه منطبق با نیازهای جامعه گسترش نیافته است. در پاره‌ای موارد، رشته‌هایی مشاهده می‌شوند که در جامعه کاربردی ندارند یا آنهایی که کاربرد دارند، کیفیت خوبی ندارند." "هر سری دانشجویان بیشتری می‌گیریم و ما داریم کیفیت را فدای کمیت می‌کنیم؛ از آن طرف تعداد استادان هم کم است."

روند آموزش و یادگیری: در خصوص مقوله روند آموزش و یادگیری مطلعان کلیدی چنین اظهار کرده‌اند: "باید در روش‌های آموزشی موجود در کشور تحول ایجاد کرد. روش آموزشی ما یکطرفه است و یکی از راهکارها برای تحول در آن می‌تواند پژوهشی کردن دانشگاه باشد." "آموزش عالی در دنیا در حال دگرگونی‌های ژرفی است. برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در حال تحول هستند. دانشگاه‌ها مراودات محیطی و قابلیت انعطاف و مسئله‌گرایی خود را روزبه‌روز بیشتر می‌کنند." "امروزه، یکی از عوامل بی‌انگیزگی دانشجویان در فراگیری دروس، عدم برخورداری از امکانات آموزشی به‌روز و کارآمد یا عدم اهتمام برخی از استادان در آموزش و به‌کارگیری روش‌های کارآمد تدریس و یادگیری و بهره‌گیری از تکنولوژی نوین آموزشی است."

ارزیابی کیفیت دانشگاه: ارزیابی کیفیت به‌عنوان ابزاری است که مؤسسات و نهادها اهداف برنامه‌هایشان را در برابر نتایج اندازه‌گیری شده مقایسه می‌کنند (Tripathi & Jeevan, 2009). این مقوله از دو مقوله فرعی اعتبار دانشگاه و اثربخشی دانشگاه تشکیل شده است. برخی از مطلعان کلیدی در این زمینه چنین اظهار کرده‌اند: "راه چاره این معضل ایجاد سازمان‌هایی است که این سازمان‌ها وظیفه ارزیابی دانشگاه‌ها را به عهده گرفته و آنها را هر ساله بر اساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی رتبه‌بندی کرده و به امر نظارت و کنترل و ارزیابی دانشگاه‌ها بپردازند." "تجربیات جهانی حاکی از آن است که الگوهای نرم و حمایت‌گرا در ارزشیابی که بر کنار از مداخله دولت و به‌صورت داوطلبانه و بر مبنای استقلال و آزادی علمی باشند، اثربخشی مطلوب‌تر و پایدارتری نسبت به الگوهای سخت و نظارت‌گرا دارند." "الگوی ارزیابی درونی و بیرونی (اعتبارسنجی) با همکاری و تعامل شبکه‌ای از کلیه ذینفعان مانند دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی، نهادهای غیردولتی، دولت و بازار کار، مطمئناً گزینه مناسب‌تری برای دوره گذار آموزش عالی ایران است."

جدول ۳- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به عوامل علی

مقوله اصلی: عوامل علی
مقوله فرعی اول: منابع انسانی
<p>مفاهیم: بلوغ حرفه‌ای کارمندان: توجه به گزینش کارمندان، مهارت‌های تخصصی کارمندان، شناسایی و حمایت از کارمندان خیره، خط‌مشی‌های حمایتی از کارمندان، الزامات قانونی برای حمایت از کارمندان، مناسب کردن شرایط کار برای کارمندان، حفظ و بهره‌گیری از کارمندان نمونه، توجه به انگیزه‌های مالی کارمندان، اهمیت کیفیت دانشگاه برای توانمندسازی کارمندان و نظارت بر کار کارمندان.</p> <p>بلوغ حرفه‌ای مدیران: دینداری، وجدان کاری، وظیفه‌شناسی، بلوغ مدیران، خدمتگذاری مدیران، تجربه‌مندی مدیران و مهارت‌های مدیریتی.</p> <p>بلوغ حرفه‌ای استادان: رعایت استانداردهای علمی و حرفه‌ای، طراحی استانداردهای علمی و حرفه‌ای، رعایت وظایف علمی و استادی، لحاظ کردن تحقیقات کاربردی در ارتقای اعضای هیئت علمی، پرورش استادان برجسته، پاسخگویی استادان، صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای استادان، صلاحیت کادر علمی، در دسترس بودن استادان، توجه به صلاحیت‌های استادان در تصمیم‌گیری‌ها و عزل و نصب‌ها و مسئولیت‌پذیری استادان در خصوص تعهداتشان.</p>

<p>مقاله فرعی دوم: علم‌گرایی در دانشگاه</p> <p>مفاهیم: اولویت پژوهش؛ چرخه تحقیق و محصول، هدفمندی حرکت مراکز پژوهشی دانش‌بنیان، پیچیدگی روزافزون پژوهش، تحول برنامه‌های پژوهشی، پژوهشی بودن دانشگاه، دانشگاه محل پژوهش ۲۴ ساعته، پژوهش به معنای تولید علم، ارتقای کیفی دانشگاه پژوهش، هدفگذاری صحیح در ارائه مقالات، قرار گرفتن مقالات در مسیر پیشرفت و توسعه جامعه، تحقیق به‌عنوان پایه توسعه جامعه و تحقیق به‌عنوان پشتوانه حرکت علمی.</p> <p>مدیریت دانش؛ تولید دانش، اشاعه دانش، نقد دانش، انتقال سریع دانش، انتقال به صرفه دانش، نقش دانشگاه در توسعه ایده‌های جدید، نقش دانشگاه در توسعه دانش جدید، مدیریت دانش، به‌کارگیری دانش، شکاف میان فعالیت آموزشی و پژوهشی، آموختن جمع‌آوری اطلاعات، آموختن ساختن اطلاعات، آموختن چگونه آموختن، نظام مدیریت دانش، اولویت تولید علم، پیشرفت چرخه علمی و بالندگی علمی.</p>
<p>مقاله فرعی سوم: ایجاد انگیزه در دانشگاه</p> <p>مفاهیم: انگیزه دانشجویان؛ نظام انگیزشی مؤثر، توجه به انگیزه‌های مالی، ایجاد انگیزه از طریق مشارکت و سیستم انگیزشی شفاف. انگیزه کارکنان؛ جلوگیری از ناامیدی و سرخوردگی کارکنان، شایسته‌سالاری، توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در انتصاب‌ها، نظام پرداخت حقوق متناسب با عملکرد، نظام پرداخت عادلانه، وجود داشتن کانون‌های کارکنان و نظام انگیزشی شفاف، ایجاد نظام تشویق و تنبیه عادلانه و نظام ارتقای شغلی شفاف.</p> <p>انگیزه استادان؛ انگیزه استادان بر اساس حقوق متناسب با عملکرد، رقابتی بودن حقوق استادان، نبود بازنشستگی اجباری برای استادان، نظام انگیزشی شفاف، ایجاد رغبت و انگیزه در استادان و علاقه و انگیزه برای پژوهش.</p>
<p>مقاله فرعی چهارم: توسعه بر مبنای نیازسنجی</p> <p>مفاهیم: نیازسنجی؛ استمرار نیازسنجی، دقت در نیازسنجی‌ها در حد آمایش سرزمین، نیازسنجی بازار کار، نیازسنجی ذینفعان، نیازسنجی به‌موقع، نیازسنجی به‌روز و نیازسنجی متناسب با تغییرات.</p> <p>توسعه هدفمند؛ ایجاد رشته‌های مورد نیاز، هدفمندی توسعه آموزشی، تطابق توسعه آموزش عالی با نیازهای جامعه، گسترش حوزه‌های تخصصی، توسعه پایدار، ضد توسعه بودن آموزش صرف، ضد توسعه بودن بسیاری از قوانین، ارتقای کیفی آموزش دانشگاه، ارتقای کیفی پژوهش دانشگاه، توجه به توسعه متناسب با نیاز جامعه و توسعه دانشگاه به دور از رویکردهای سیاسی.</p>
<p>مقاله فرعی پنجم: روند آموزش و یادگیری</p> <p>مفاهیم: تغییر روش‌های تدریس و طرز کار با دانشجویان، مهارت در تدریس، تسهیل یادگیری دانشجویان، بلوغ حرفه‌ای و تدریس موفق، برگزاری دوره‌های روش تدریس، تحول در روش‌های آموزشی، توجه به شیوه‌های نوین آموزش، استفاده از روش‌های آموزش از راه دور، بازنگری در برنامه‌های آموزش زبان، استفاده از فناوری‌های نوین، استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان آموزش و پژوهش، تحول برنامه‌های آموزشی، الگوهای نوین یاددهی - یادگیری، الگوهای یاددهی - یادگیری مشارکتی، الگوهای تدریس معطوف به مسائل جامعه، تغییرات سریع در محتوا متناسب با نیاز جامعه، مهم بودن سبک در مقابل محتوا، تغییرات سریع در روش متناسب با نیاز جامعه و توجه به شیوه‌های نوین در آموزش.</p>
<p>مقاله فرعی ششم: ارزیابی کیفیت دانشگاه</p> <p>مفاهیم: اعتبار دانشگاه؛ رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس معیارهای بین‌المللی، ایجاد سازمان‌های اعتبارسنجی کیفیت مستقل، اعتبارسنجی نهادهای مستقل و مشارکت نهادهای غیردولتی حرفه‌ای برای اعتبار دانشگاه‌ها.</p> <p>اثربخشی دانشگاه؛ الگوهای نرم و حمایتگر در ارزشیابی، داوطلبانه بودن ارزشیابی، ارزشیابی بر مبنای آزادی علمی، استفاده از دیدگاه‌های دانشجویان در ارزشیابی کیفیت یاددهی - یادگیری، استفاده از دیدگاه‌های ذینفعان بیرونی در ارزشیابی، وجود داشتن رسانه‌های مستقل در ارزشیابی، مشارکت نهادهای حرفه‌ای در ارزیابی دانشگاه، انعطاف‌پذیری چارچوب‌های ارزشیابی، تنظیم چارچوب ارزشیابی توسط نهادهای ذی‌صلاح حرفه‌ای، خودارزشیابی به‌عنوان هنجار جهانی، ارزیابی توسط سازمان‌های مستقل به‌عنوان هنجار جهانی و پرهیز از ارزشیابی دولتی به‌عنوان هنجار جهانی.</p>

عوامل زمینه‌ای: در مطالعه حاضر عوامل زمینه‌ای شامل پنج مقوله اصلی زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهانی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزش عالی بود.

زمینه سیاسی: در جوامعی مانند ایران که دولت به دلایل تاریخی و ساختاری در شکل‌گیری شرایط محیطی نقش مهمی دارد، ویژگی‌های ساختی-کارکردی دولت می‌تواند در فرایند پاسخگویی تأثیر مثبت یا منفی بگذارد (Farasatkah, 2009). هر چه دولت‌ها توسعه‌محور، منعطف، تعامل‌گرا و پاسخگو باشند، به بهبود پاسخگویی دانشگاه‌ها یاری خواهند رساند و برعکس. مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار داشته‌اند: "فضای سیاسی گاهی در یک گروه یا دانشکده یک جو بده بستان ایجاد کرده، به طوری که یک نوع چانه‌زنی برای بعضی موضوعات و تصمیم‌ها وجود دارد." "وضعیت سیاسی ما در جهان و روابط ما با بقیه جهان به روابط علمی و دانشجو و استادان لطمه وارد کرده است. طرح‌های مختلفی در دنیا وجود دارد که ما به دلیل روابط سیاسی از آنها محروم هستیم."

زمینه اقتصادی: مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار داشته‌اند: "ساختار اقتصادی ایران، حمایت تشویقی برای ارتقای کیفیت دانشگاه‌ها و برنامه‌های آموزش عالی در یک شرایط شفاف و رقابتی را ضروری می‌نماید." "چگونگی اشتغال دانش‌آموختگان، تغییرات جمعیتی، پدیده فرار مغزها و ... از جمله چالش‌هایی هستند که نظام آموزش عالی در دوران معاصر با آنها روبه‌رو است." "رشد اقتصادی پایین از سویی موجب بیکاری تعداد کثیری از فارغ‌التحصیلان شده و از طرف دیگر، انگیزش دانشجویان و کیفیت آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده است."

زمینه اجتماعی و فرهنگی: فرهنگ مهم‌ترین سطح شرایط محیطی را شکل می‌دهد (Farasatkah, 2009). در جوامعی که فرهنگ پاسخگویی به‌خوبی شکل گرفته باشد، دانشگاه‌ها خود را موظف می‌دانند که در قبال نیازهای ذینفعان مسئول و پاسخگو باشند. مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار داشته‌اند: "باید نهادهای مدنی مانند انجمن‌ها و سازمان‌های ارزشیابی را تقویت کنیم، زیرا دانشگاه‌ها به‌طور مستقل نمی‌توانند با بیرون از دانشگاه ارتباط برقرار کنند." "با تقویت نقش نهادهای غیردولتی، دانشگاه‌ها احساس می‌کنند که باید بیش از گذشته برون‌گرا و نسبت به جامعه پاسخگو باشند."

زمینه جهانی: جهانی‌شدن و بین‌المللی‌شدن آموزش عالی آن را در یک شرایط رقابتی قرار می‌دهد و ضرورت پاسخگویی آن را بیشتر می‌کند (Farasatkah, 2009). عواملی مانند عصر اطلاعات، انقلاب در فناوری اطلاعات و کوتاه شدن عمر فناوری‌ها سبب می‌شود تا پاسخگویی به نیازهای نوپدید و متغیر ذینفعان بیش از هر زمان دیگر احساس شود. مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار داشته‌اند: "چون صنعت ما تجهیزات مورد نیاز را از خارج خریداری کرده و فناوری صنعت ما وارداتی بوده، در نتیجه دانش فنی جایگاه شایسته‌ای در صنعت ما پیدا نکرده است." "جهانی‌شدن و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات موجب شده است که دانشگاه‌ها با جامعه و جهان ارتباط داشته باشند. درحالی‌که دانشگاه‌های ما از موقعیت مناسبی برای همراهی با آهنگ تحولات جهانی برخوردار نیستند."

زمینه سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزش عالی: پاسخگویی آموزش عالی مستلزم سیاست‌های نهادینه شده به‌منظور واگذار کردن هر چه بیشتر نقش‌ها به دانشگاه‌ها و مطالبه عمومی در قبال این واگذاری مسئولیت است. یکی از مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار داشته است: "اداره امور مؤسسه‌های آموزش عالی، به‌ویژه دانشگاه‌هایی که مبتنی بر پژوهش باشند، احتمالاً مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسئله در سیاستگذاری آموزش عالی است".

جدول ۴- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به عوامل زمینه‌ای

مقوله اصلی: عوامل زمینه‌ای
مقوله فرعی اول: زمینه سیاسی
مفاهیم: تهدیدهای سیاسی، بینش‌های سیاسی، توجه به شرایط مدیریتی کشور، تحول مفهومی نظام قدرت، مدیریت متأثر از وضعیت کلی کشور، تأثیر ثبات و استقلال سیاسی بر تولیدات علمی دانشگاه‌ها، تأثیر ثبات و استقلال سیاسی بر مدیریت دانشگاه‌ها و تأثیر روابط سیاسی کشور بر روند علمی دانشگاه‌ها.
مقوله فرعی دوم: زمینه اقتصادی
مفاهیم: فشارهای اقتصادی، تحول مفهومی نظام اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان، پشتیبانی از توسعه اقتصادی، کمبود شغل، بیکاری دانش‌آموختگان، اشتغال دانش‌آموختگان، توجه به اشتغال دانش‌آموختگان و نبود شغل.
مقوله فرعی سوم: زمینه اجتماعی و فرهنگی
مفاهیم: علم‌براندازی جامعه، علم‌نوازی جامعه، تغییرات بنیادین فرهنگی، سازگاری مستمر با محیط اجتماعی، تقویت نهادهای مدنی به‌عنوان حلقه‌های ارتباط با بیرون از دانشگاه، افزایش نقش نهادهای غیردولتی در دانشگاه، توسعه نهادهای غیردولتی، تقویت بخش‌های غیر دولتی و روند تغییرات جمعیتی.
مقوله فرعی چهارم: زمینه جهانی
مفاهیم: پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، عصر اطلاعات، انقلاب در فناوری اطلاعات، وارداتی بودن فناوری‌های صنعتی، کوتاه شدن عمر فناوری، انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، انقلاب الکترونیک، پشتیبانی از توسعه فناوری، محیط جهانی، تغییرات جهانی، تغییرات ساختاری جهانی، جهانی‌شدن، توجه به تجارب جهانی، تغییرات آموزش عالی در جهان، مطابقت با استانداردهای جهانی، تعهد به هنجارهای جهان و مشارکت در قانونگذاری جهانی.
مقوله فرعی پنجم: زمینه سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزش عالی
مفاهیم: شفافیت سند آمایش آموزش عالی، یکپارچگی در سیاست‌های آموزشی، پیچیدگی سیاستگذاری اداره امور دانشگاه، سیاستگذاری با هدف توسعه کشور، پیوستگی سیاستگذاری با چرخه دانش، مقبولیت عدالت آموزشی، عدالت در دسترسی به آموزش، انطباق سیاست‌ها با تغییرات ملی و جهانی، ایجاد فرصت‌های عادلانه برای همه گروه‌ها، بازار رقابتی آموزش، بازار رقابتی پژوهش، تقاضا برای آموزش عالی، نقش علوم انسانی در توسعه کشور، لزوم نگاه تحولی به آموزش عالی، پیوند میان حوزه‌های مختلف در دانشگاه جامع، نظام پرورشی جامع، وحدت متولی امر تربیت، برنامه‌ریزی پاسخگویی دانشگاه، داشتن برنامه راهبردی بر اساس نیازهای ذینفعان، داشتن برنامه راهبردی بر اساس حقوق ذینفعان، داشتن برنامه جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییر رسالت، رسالت آموزش، رسالت پژوهش، رسالت خدمات اجتماعی، غافل نشدن از مسئولیت‌ها، تغییر کارکرد دانشگاه، قانون‌مداری، توجه به قوانین، کارآمدسازی مقررات و آیین‌نامه‌ها در آموزش عالی، مقررات‌زدایی از آموزش عالی، ارزیابی وضعیت فعلی پاسخگویی، طراحی الگوی انتقال از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب، اجرای الگوی طراحی شده، ارزیابی نتایج اجرای طرح، اصلاح مداوم الگوی پاسخگویی، حرکت تدریجی به سوی شرایط مطلوب و برنامه‌مداری.

عوامل مداخله‌گر: در واقع، پاسخگویی به نیازهای ذینفعان متأثر از زمینه‌ای است که در آن راهبردهای پاسخگویی شکل می‌گیرند و در نهایت، اثرهای آن در راهبردها و پیامدها ظاهر می‌شود. در مطالعه حاضر عوامل مداخله‌گر در قالب سه مقوله اصلی ساختار دانشگاه، تناسب عرضه با تقاضا و امکانات آموزشی و پژوهشی شناسایی شدند.

ساختار دانشگاه: در خصوص ساختار دانشگاه مطلعان کلیدی چنین اظهار کرده‌اند: "یکی از مشکلات ساختاری ما بوروکراسی اداری است که خیلی کند و سفت و سخت عمل می‌کند." "گاهی هم متأسفانه استادان همدیگر را تخریب می‌کنند و این به خصوص در جلسات دفاع زیاد دیده می‌شود، در صورتی که دانشجو مقصر نیست، اما لطمه می‌بیند." "گاهی نیز جذب استادان با روش‌های غیر آکادمیک انجام می‌شود و گاهی گروه دخالتی نداشته و آن استاد از بالا تحمیل می‌شود." "بخش اعظمی از مقررات و آیین‌نامه‌ها در آموزش عالی ناکارآمد و دست و پاگیر است. دیوانسالاری در اغلب موارد بر زندگی علمی و دانشگاهی چیره شده است و مانع بروز و شکوفایی بسیاری از قابلیت‌های بالقوه آموزش عالی در کشور است."

تناسب عرضه و تقاضا: اقبال بسیار زیاد برای تحصیل در دانشگاه‌ها و سیطره توسعه کمی آموزش عالی در کشور ایران سبب شده است که بسیاری از اهداف و انتظارات ذینفعان از دانشگاه‌ها به حاشیه رانده شود. بر این اساس، توجه به استانداردهای بین‌المللی در این زمینه می‌تواند در بهبود پاسخگویی به نیازهای ذینفعان نقش مهمی داشته باشد. مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار کرده‌اند: "یکی از چالش‌های موجود آموزش عالی موضوع افزایش کیفیت دانشگاه‌هاست، چرا که در سال‌های گذشته کمیت بر کیفیت سیطره یافته است که این کمیت‌گرایی خود را در مواردی از قبیل افزایش شعب دانشگاهی، افزایش رشته‌های تحصیلی و ظرفیت پذیرش دانشجویان نشان می‌دهد." "برخی از استادان ۱۰ تا ۲۰ دانشجوی ارشد را راهنمایی می‌کنند و به همین دلیل، نمی‌توانند وقت کافی برای دانشجویان بگذارند. همین ۱۰ تا ۲۰ نفر هم گاهی در حوزه تخصص آنها نمی‌باشد. برخی از استادان هم چون در رشته مرتبط پایان‌نامه نمی‌گیرند، گاهی از روش‌شناسی لازم برخوردار نیستند."

امکانات آموزشی و پژوهشی: کیفیت فضای فیزیکی دانشگاه و همچنین رعایت استانداردهای بین‌المللی تصریح شده توسط مؤسسات اعتباربخشی دانشگاهی برای تأسیس رشته‌های مختلف علمی، به فضا، تجهیزات و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به همراه انواع کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌های مجهز به فناوری، تجهیزات مدرن، دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی و خدمات رفاهی مناسب نیازمند است. توفیقی و فراستخواه (Towfighi & Farasatkah, 2002) از جمله لوازم ساختاری توسعه علمی کشور را توسعه شاخص‌های کمی و کیفی مربوط به فضای کالبدی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی ذکر کرده‌اند. در این زمینه مطلعان کلیدی چنین اظهار کرده‌اند: "گاهی دانشجویان حتی استادان دسترسی به امکانات لازم و منابع و پایگاه اطلاعاتی ندارند. استادان کارت اعتباری ارزی برای خرید منابع

اطلاعاتی ندارند یا خیلی از مراجع اطلاعاتی ما را تحریم کرده‌اند و خیلی مقالات هم پولی است و دسترسی لازم وجود ندارد".

جدول ۵- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به عوامل مداخله‌گر

مقوله اصلی: عوامل مداخله‌گر
مقوله فرعی اول: ساختار دانشگاه
مفاهیم: توجه به جایگاه تغییر ساختار، انعطاف‌پذیری ساختار نظام آموزشی و پژوهشی، انعطاف‌پذیری ساختار دانشگاه‌ها، تغییر ساختار، چابک‌سازی، استقلال عملیاتی دانشگاه به‌عنوان کلید تغییر ساختار، تمرکززدایی از مدیریت آموزش عالی، تغییر ساختار کلی آموزش عالی، تحرک در ساختار تصمیم‌گیری، فرایند تصمیم‌گیری چندلایه، سرعت در تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری دانشگاه، تمرکززدایی ساختاری، انطباق ساختار دانشگاه‌ها با تغییرات ملی و جهانی، ساختار سازمانی پویا، نهاد مدیریت و نظارت بر پاسخگویی، توجه به ساختار و مدیریت پاسخگویی، وجود داشتن اطلاعات جامع ذینفعان، نظام بهره‌وری و نظام مدیریت عملکرد.
مقوله فرعی دوم: تناسب عرضه با تقاضا
مفاهیم: خالی ماندن صندلی‌ها در بسیاری از رشته‌ها و دانشگاه‌ها، کاهش ورودی به دوره کارشناسی، جذب بیش از حد در مقاطع بالاتر، تناسب در کمیت، افزایش کمی بیش از اندازه دانشجویان، رهایی از سیطره کمیت بر تصمیمات، سیطره کمیت‌گرایی، افزایش شعب دانشگاهی، افزایش رشته‌های تحصیلی، ظرفیت پذیرش دانشجویان، عرضه متناسب با نیاز جامعه، ظرفیت متناسب با نیاز بازار و نقش استادان در تعیین ظرفیت دانشجویان.
مقوله فرعی سوم: امکانات آموزشی و پژوهشی
مفاهیم: کمبود امکانات تحقیقاتی، به‌روز بودن امکانات و تجهیزات، تجهیز آزمایشگاه‌ها و امکانات تحقیقاتی، توجه به پارک‌های علم و فناوری، حمایت مالی از تحقیقات، شناخت توانمندی‌ها و امکانات پژوهشی، توجه به بودجه‌های تحقیقاتی، توجه به امکانات و تجهیزات تحقیقاتی، بالا بردن دستمزد تحقیقات، امکانات و تجهیزات پژوهشی، موانع درون‌سازمانی پژوهش، موانع برون‌سازمانی پژوهش، موانع نگرشی در امر پژوهش، موانع درون‌سازمانی پژوهش به‌عنوان مهم‌ترین عامل، وجود داشتن یک نظام متمرکز تحقیقاتی، موانع سازمانی - اداری پژوهش و مسائل مربوط به امکانات پژوهشی.

راهبردها: در این پژوهش چهار دسته راهبرد اساسی شامل جلب مشارکت، تعامل دانشگاه با جامعه، تعاملات برون‌مرزی و تأمین و تخصیص منابع شناسایی شد. تصدیقی (Tasdighi, 2002) مشارکت را فرایندی می‌داند که افراد در گروه‌های تعامل، با ارتباط اثربخشی تلاش می‌کنند تا با به میدان آوردن توانایی‌های ذهنی و روحی خود برای خود مسئله یا هدف خود راه حل یا راهبردهای مناسب پیدا کنند. مقوله اصلی مشارکت از سه مقوله فرعی مشارکت دانشجویان، مشارکت استادان و مشارکت کارکنان تشکیل شده است. مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار کرده‌اند: "خیلی از دانشجویها هم دغدغه و درگیری شخصی و خانوادگی دارند و این موضوع درگیری و مشارکت آنها را با چالش روبه‌رو کرده است. خیلی از آنها در کنار درس خواندن کار می‌کنند." "گاهی استادان به دانشجویان می‌گویند که تو تمام وقت هستی و نباید هیچ‌جا کار کنی. در صورتی که دانشجو نیازهایی دارد و بستر لازم هم برای تأمین آن وجود ندارد که کار نکند. از طرفی، شهریه را هم باید سر وقت پرداخت کند." "یکی از مشکلات امروز ما در دانشگاه‌ها عدم مشارکت دانشجویان در فعالیتهای آموزشی و برنامه‌های دانشگاه به‌ویژه در مقاطع

تحصیلات تکمیلی است، زیرا بسیاری از دانشجویان در این مقاطع متأهل و شاغل بوده و حضور کمرنگی در دانشگاه و فعالیت‌های علمی دارند."

تعامل دانشگاه با جامعه: به‌طور کلی، ارتباط دانشگاه و صنعت به شکل توافق‌های رسمی و غیررسمی میان این دو نهاد است که با هدف دستیابی به موفقیت‌های بیشتر ایجاد می‌شود. در این خصوص، دانشگاه و صنعت تلاش می‌کنند تا برخی از فعالیت‌های علمی خود را به‌طور مشترک و هماهنگ انجام دهند. همکاری‌های دوجانبه این دو نهاد فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که هر یک از آنها به تنهایی قادر به انجام دادن آنها نیستند (Shafiee & Arasteh, 2004). تعامل دانشگاه با جامعه از چهار مقوله فرعی تعامل صنعت و دانشگاه، تعامل با نهادها، تعاملات آموزشی و تعاملات پژوهشی تشکیل شده است. مطلعان کلیدی چنین اظهار کرده‌اند: "ارتباط دانشگاه با صنعت در همه جای دنیا با مشکل مواجه است، چون منافع و دستاوردهای این دو نهاد متفاوت است. یکی از دلایل چنین تفاوتی آن است که استادان دانشگاه در کار خود عجله می‌کنند." "دانشگاه‌ها ایزوله هستند. خود گروه با کدام گروه یا دانشگاه در ارتباط است؟ و این مشکل به خود دانشگاه مربوط است، چون نیازی به هم ندارند."

تعاملات برون‌مرزی: بین‌المللی کردن آموزش عالی شامل تسهیم فعالیت‌های علمی، ترویج نوآوری و درک متقابل فرهنگ‌های مختلف با هدف بهبود زندگی و رفاه بشر است. کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برتر، علاوه بر ارتباطات بین‌المللی سنتی در تبادلات دانشجویی و اعضای هیئت علمی، توجهات خود را به همکاری‌های بین‌المللی بین دانشگاهی، تدوین برنامه‌های درسی مشترک، همکاری‌های پژوهشی و انتقال فناوری معطوف کرده‌اند (Pardakhtchi et al., 2012). یکی از مطلعان کلیدی در این خصوص چنین اظهار کرده است: "دانشگاه‌های ما با دانشگاه‌های خارجی و حتی با همین دانشگاه‌های داخلی ارتباطی ندارند و هر دانشگاهی در این زمینه مستقل است."

تأمین و تخصیص منابع: تنوع منابع مالی از مهم‌ترین زمینه‌های مؤثر در مطرح شدن ارزشیابی عملکرد دانشگاهی محسوب می‌شود (Farasatkah, 2009). هر یک از این روش‌ها، تأثیرات مختلفی بر رفتار خانواده‌ها و مؤسسات بر جای می‌گذارد. این اثرگذاری درواقع، امکان مدیریت نظام آموزشی را از طریق سازوکارهای مالی می‌دهد (Naderi, 2004). مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار کرده‌اند: "با توجه به دشوار شدن تأمین مالی، دانشگاه‌ها به دنبال یافتن منابع مالی جدیدی هستند که مستلزم کارآفرینی زیاد بوده و در مجموع آنها را به سوی محیطی خارجی سوق می‌دهد." "هم‌اکنون فرصت‌های بسیاری برای دریافت حمایت‌های مالی از سوی مجامع بین‌المللی وجود دارد که بسیاری از افراد واجد شرایط در ایران با این فرصت‌ها آشنایی اندکی دارند. اگر چه دفاتری تحت عنوان «امور بین‌الملل» در بسیاری از دانشگاه‌های کشور فعالیت می‌کنند، اما فعالیت‌های آنها بیشتر به امضای توافقنامه‌های صوری محدود شده است."

جدول ۶- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به راهبردها

مقوله اصلی: راهبردها
مقوله فرعی اول: جلب مشارکت
<p>مفاهیم: مشارکت دانشجویان: مشارکت مؤثر دانشجویان، مشارکت درونزا، مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری، مشارکت حداکثری، طراحی مدل اجرایی مشارکت دانشگاهیان در امور دانشگاه، توجه به سلايق گوناگون، مشارکت عمومی در دانشگاه، مشارکت دانشجویان در امور دانشگاه، نفع دوسويه دانشجویان و دانشگاه از مشارکت، مشارکت دانشجویان در پروژه‌های تحقیقاتی، مشارکت دانشجویان در نظرسنجی‌های عملکرد استادان، جذب مشارکت حداکثری دانشجویان در فعالیتهای دانشجویی، اهمیت دادن به فعالیتهای شورای صنفی دانشجویان، کاربردی کردن نظریات عملیاتی و کمک مالی به دانشجویان از طریق مشارکت در امور دانشگاه.</p> <p>مشارکت استادان: بهره‌گیری از نظریات نخبگان هیئت علمی در موضوعات متنوع دانشگاهی، توجه به نظریات هیئت علمی، مسئولیت‌پذیری دانشگاهیان، مشارکت جمعی استادان به‌عنوان عامل توسعه علمی، وحدت حاصل از شورای مشورتی دانشگاه، همدلی حاصل از شورای مشورتی اعضای هیئت علمی، مشارکت استادان در تصمیمات، مشارکت عمومی در دانشگاه، مشارکت درونزا، ایجاد انگیزه از طریق مشارکت، مشارکت حداکثری، ایجاد فرهنگ دموکراسی، مشارکت هیئت علمی در مدیریت دانشگاه و انتخاب مدیران با هم‌رأیی اعضای هیئت علمی.</p> <p>مشارکت کارکنان: نقش مشورتی کارکنان، بهره‌گیری از نظریات کارکنان در مسیر مصالح دانشگاه، مشارکت کارکنان در امور فرهنگی، مشارکت کارکنان در امور اقتصادی، توجه به ایفای نقش صحیح کارکنان در بخش‌های مختلف دانشگاه، مشارکت کارکنان در امور اجتماعی، مشارکت کارکنان در اغنای دانشجویان و استادان، مشارکت کارکنان در شناسایی مسائل دانشگاه، مشارکت کارکنان دانشگاه در حل مسائل، مشارکت کارکنان دانشگاه در فعالیتهای سیاسی و همکاری کارکنان در دستیابی به اهداف ملی.</p>
مقوله فرعی دوم: تعامل دانشگاه با جامعه
<p>مفاهیم: تعامل صنعت و دانشگاه: مشارکت با صنعت، ارتباط صنعت و دانشگاه، ضمانت اجرایی سیاست‌های ارتباط صنعت و دانشگاه، توجه به جایگاه دانش فنی در صنعت، تأمین نیازهای آموزشی صنعت، تأمین نیازهای پژوهشی صنعت و تأمین نیازهای مشاوره‌ای صنعت.</p> <p>تعامل با نهادها: همکاری با دولت، نقش رهبری دانشگاه در مشارکت با سایر بخش‌ها، درخواست خدمات متقابل از سوی بخش خصوصی، ارتباط دانشگاه با جهان اجتماعی، مشارکت دانشگاه در همه بخش‌ها، مشارکت جدی در امور اجتماعی، تعامل شبکه‌ای ذینفعان، پیوند دانشگاه با بخش‌های اجرایی و اقتصادی، وجود دفاتر و بخش تحقیقاتی شرکت‌ها در دانشگاه‌ها و رویکردهای همکارانه در محیط دانشگاهی.</p> <p>تعاملات آموزشی: تسهیم دانش با سایر دانشگاه‌ها، تأیید متقابل مدارک تحصیلی میان دانشگاه‌ها، تأیید متقابل واحدهای درسی میان دانشگاه‌ها، همکاری با سایر مؤسسات آموزشی، توجه به همکاری‌های بین‌دانشگاهی، همکاری‌های سازمان‌یافته میان هیئت علمی، رویکردهای همکارانه در محیط دانشگاهی و ارتباط با سایر دانشگاه‌ها و مراکز علمی.</p> <p>تعاملات پژوهشی: پیوند میان مراکز پژوهشی دانش‌بنیان، ارتباط با مراکز تحقیقاتی سایر کشورها، بازار رقابتی پژوهش، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه پژوهش‌های کاربردی، اعزام استادان به فرصت مطالعاتی، ارتباط با مراکز تحقیقاتی سایر کشورها و ارتباط با مجامع علمی بین‌المللی.</p>
مقوله فرعی سوم: تعاملات برون مرزی
<p>مفاهیم: بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، بین‌المللی کردن آموزش، توجه به جنبه بین‌المللی مسائل، گسترش روابط بین‌الملل، تعامل با جهان، ارتباطات بین‌المللی به‌عنوان شیوه کیفیت‌بخشی، فرایندهای فناوری ارتباطات و اطلاعات، شیوه و الزامی برای برقراری ارتباطات بین‌المللی، ارتباط با مراکز تحقیقاتی سایر کشورها، دعوت از استادان خارجی، ایجاد ساختاری برای همکاری بین‌المللی، افزایش تعداد دانشجویان خارجی، پیشرفت اقتصادی از طریق ارتباطات بین‌المللی، توجه به توافقاتنامه‌های اعزام دانشجو به خارج، راه‌اندازی دوره‌های دکتری مشترک، حمایت مالی از ارتباطات بین‌المللی دانشگاه، همکاری‌های آزاد بین‌المللی، تعاملات بین‌المللی، عضویت در نهادهای بین‌المللی اعتبارسنجی، دیپلماسی علمی، جذب دانشجویان خارجی، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه پژوهش‌های کاربردی، همکاری بین‌المللی در زمینه کیفیت آموزش عالی، بهره‌گیری از رایزن‌های علمی، اولویت‌بندی کشورها در همکاری‌های بین‌المللی، همکاری علمی بین‌المللی، توجه به همکاری‌های بین‌المللی بین‌دانشگاهی، منفعت فرهنگی بین‌المللی دانشگاه، بهره‌گیری از تجارب سایر</p>

کشورها در تدوین برنامه درسی، تخصص بین‌المللی، آشنایی دانشجویان با سایر فرهنگ‌ها، توجه به زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی، بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی، مقایسه با کشورهای دیگر، بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، توجه به اصول و هنجارهای بین‌المللی، استفاده از فرصت‌های بین‌المللی، توجه به کرسی‌های زبان فارسی، بین‌المللی کردن دانشگاه‌ها، منفعت اقتصادی بین‌المللی کردن دانشگاه، توجه به بعد بین‌المللی دانشگاه، بین‌المللی بودن دانشگاه، بین‌المللی شدن آموزش عالی و تأثیر روابط بین‌المللی کشور بر روند علمی دانشگاه‌ها.

مقاله فرعی چهارم: تأمین و تخصیص منابع

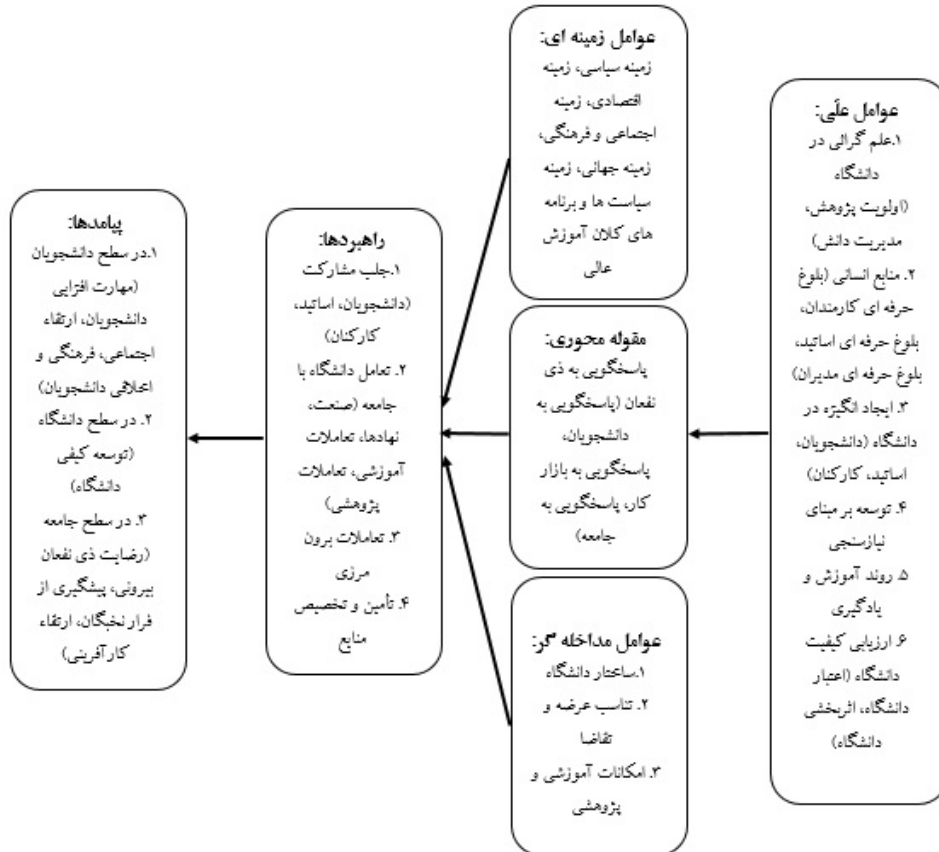
مفاهیم: افزایش روزافزون هزینه‌های آموزش و پژوهش، حفظ و افزایش درآمد، کاهش هزینه، دشوار شدن تأمین مالی، یافتن منابع مالی جدید، افزایش هزینه‌ها، حمایت شرکت‌ها از تحقیقات، حق ثبت اختراع، تجاری‌سازی، مالکیت بر نگاه‌های تجاری، فعالیت مشترک تجاری یا بخش خصوصی، افزایش شهریه‌ها، مدیریت منابع مالی جدید، تنوع منابع مالی دانشگاه، مشاوره دادن به صنایع، تبدیل یارانه به تسهیلات رفاهی، دریافت حمایت‌های مالی از مجامع بین‌المللی، تنوع‌بخشی به منابع تأمین مالی، استراتژی کلی برای منابع مالی، نسخه‌های گوناگون برای دانشگاه‌های مختلف، توجه به تنوع در تأمین مالی، کاهش هزینه دانشگاه از طریق مشارکت دانشجویان در امور دانشگاه و متنوع نبودن منابع مالی دانشگاه.

پیامدها: پیامدها در پژوهش حاضر به سه دسته کلی دانشجویان (مهارت افزایشی، ارتقای اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی)، دانشگاه (ارتقای کیفی دانشگاه) و جامعه (رضایت ذینفعان بیرونی، پیشگیری از فرار نخبگان و ارتقای کارآفرینی) طبقه‌بندی شده است. مطلعان کلیدی در این باره چنین اظهار کرده‌اند: "کارآمد کردن نظام آموزش عالی کشور دارای وجوه و ابعاد مختلف شامل کاربری علم در جامعه، توانمندسازی خروجی‌های دانشگاه‌ها و پیوند بین دانشگاه با بخش‌های مختلف اجرایی و اقتصادی کشور است". "امروزه، دانشگاه جایی نیست که دانش‌آموخته‌های غیرحرفه‌ای، غیرکارآمد و غیرخلاق تربیت کند، زیرا این دانش‌آموخته‌ها در جامعه آینده قادر به اشتغال نخواهند بود". "تهذیب نفس و تخلیق به اخلاق اسلامی در کنار علم‌اندوزی یکی دیگر از اولویت‌هایی است که دانشجویان باید آن را داشته باشند. جامعه ما از بی‌اخلاقی خسارت و ضرر زیادی دیده است". "بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده از سوی صندوق بین‌المللی پول، ایران در میان ۶۱ کشور در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، متأسفانه رتبه اول مهاجرت نخبگان را به خود اختصاص داده است". "دانشجوی ما باید کارآفرین باشد. اگر دانشجو کارآفرین باشد، خود را با شرایط روز تطبیق خواهد داد. یک راهبرد کلان در آموزش، موضوع کارآفرینی دانش‌آموختگان است".

جدول ۷- نتایج جدول کدگذاری باز و محوری و مفاهیم مربوط به پیامدها

مقاله اصلی: پیامدها
مقاله فرعی اول: در سطح دانشجویان
<p>مفاهیم: مهارت‌افزایی: نیروی انسانی به‌عنوان محصول دانشگاه، توانمندسازی دانش‌آموختگان، آماده ساختن دانشجویان برای زندگی اجتماعی، پرورش دانشجویان خلاق، آماده کردن برای شغل، دانش‌آموختگان کارآمد و موفق، بلوغ دانشجویان، توانمندی دانشجویان، پرورش دانشجویان حرفه‌ای، پرورش دانشجویان خلاق، تربیت نیروی مبتکر و خلاق، توانمندسازی، پرورش متخصصان توانمند، پرورش محققان برجسته، تربیت دانش‌آموختگان با مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و شهروندی، تربیت دانش‌آموختگان با ویژگی‌های ممتاز شخصیتی، تربیت دانش‌آموختگان با مهارت‌های شناختی، تربیت دانش‌آموختگانی با مهارت‌های عمومی و پایه، تربیت</p>

<p>دانش‌آموختگانی با مهارت‌های تجاری و کارآفرینانه، تربیت دانش‌آموختگانی با مهارت‌های فنی و تخصصی، دانشجویان آماده نقش‌آفرینی در جامعه جهانی، جامعه‌پذیر ساختن دانشجویان و آماده‌سازی پژوهشگران خبره.</p> <p>ارتقای اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی؛ تربیت دینی و اخلاقی، برگزاری اردوهای تربیتی و اخلاقی، توجه به اخلاق حرفه‌ای، آموزه‌های دینی، توجه توأمان به اخلاق، منطلق و آزادی، توجه به پرورش اخلاقی دانشجویان، توجه به فعالیت‌های قرآنی در دانشگاه، فضای اخلاقی، تقویت مبانی دینی و ارزشی، توسعه فعالیت‌های فرهنگی، توجه به فرهنگ، استقرار ارزش‌های فرهنگی، ارتقای فرهنگ، مشارکت دانشگاهیان در امور فرهنگی، انتخاب راه علمی برای فرهنگ، فرهنگ جهاد علمی، مقابله با آسیب‌های فرهنگی و ایجاد فرهنگ پاسخگویی.</p>
<p>مقاله فرعی دوم: در سطح دانشگاه</p>
<p>مفاهیم: ارتقای کیفی دانشگاه: تحول در کیفیت، ارتقای کیفیت، اولویت ارتقای کیفیت، توجه به کیفیت، بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی، کیفیت‌بخشی به رشته‌های کاربردی، توجه به کیفیت آموزش و پژوهش، ارتباطات بین‌المللی به‌عنوان شیوه کیفیت‌بخشی، توجه به ارتقای کیفی دانشگاه، کیفیت‌بخشی از طریق رضایت ذینفعان از تولیدات و برودادها و نتایج دانشگاه، کیفیت‌بخشی از طریق رضایت استخدام‌کنندگان و مشتریان از تولیدات و برودادها و نتایج دانشگاه، کیفیت‌بخشی از طریق رضایت دانشجویان از تولیدات و برودادها و نتایج دانشگاه، کیفیت مرتبط با ارزش افزوده نهایی در سطح ملی، کیفیت مرتبط با ارزش افزوده نهایی در سطح جهانی، کیفیت‌بخشی از طریق تولید فکر و معنا، کیفیت‌بخشی از طریق اکتشافات بشری، کیفیت‌بخشی از طریق گسترش کرانه‌های دانش، سنجش کیفیت از طریق مقایسه ارزش درون‌دادها با ارزش برودادها، بهبود مداوم کیفیت، نوآوری، پاسخگویی، کارایی، اثربخشی، بهره‌وری، حرکت به سوی تراز کیفیت جهانی، اعتبارات تشویقی برای ارتقای کیفیت، کاهش بیماری‌ها، کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهبود و ارتقای درونزا، وجود داشتن نظام کارآمد اطلاعات آموزش عالی، توسعه کیفی آموزش، توسعه کیفی پژوهش، همکاری بین‌المللی در زمینه کیفیت آموزش عالی، توجه به نظام جامع تضمین کیفیت آموزش عالی و کارآمدی نظام آموزش عالی.</p>
<p>مقاله فرعی سوم: در سطح جامعه</p>
<p>مفاهیم: رضایت ذینفعان بیرونی: رضایت مشتریان، رضایتمندی در محیط کار، کیفیت‌بخشی از طریق رضایت ذینفعان از تولیدات و برودادها و نتایج دانشگاه، رضایت ذینفعان، کیفیت‌بخشی از طریق رضایت استخدام‌کنندگان و مشتریان از تولیدات و برودادها و نتایج دانشگاه و کیفیت‌بخشی از طریق رضایت دانشجویان از تولیدات و برودادها و نتایج دانشگاه.</p> <p>پیشگیری از فرار نخبگان: مهاجرت مغزها، نرخ بالای مهاجرت نخبگان، تعداد بالای نخبگان در کشورهای پیشرفته، هزینه‌های بالای خروج نخبگان، نفع بالای کشورهای پیشرفته از جذب نخبگان، تأثیر عوامل سیاسی بر خروج نخبگان، کم‌مهری سیاستمداران به عامل فرار مغزها و فرار مغزها به‌عنوان یک عامل تاریخی.</p> <p>ارتقای کارآفرینی: تربیت دانشجوی کارآفرین، کارآفرینی به‌عنوان یک راهبرد کلان، تربیت نیروی کارآفرین، کارآفرینی دانشگاه‌ها، وجود داشتن کانون‌های کارآفرینی در دانشگاه و پرورش کارآفرینان شایسته.</p>



شکل ۲- الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش شناسایی الگوی پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی بود و نظریه داده‌بنیاد از میان روش‌های کیفی انتخاب شد. همچنین از میان طرح‌های مختلفی که برای نظریه داده‌بنیاد از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است، از طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) استفاده شد تا فرایند پاسخگویی اثربخش دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان یک پدیده بررسی شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که مقوله محوری پاسخگویی به نیازهای ذینفعان (پاسخگویی به نیاز دانشجویان، پاسخگویی به بازار کار و پاسخگویی به جامعه) به‌طور مستقیم متأثر از عوامل علی (علم‌گرایی دانشگاه، منابع انسانی، ایجاد انگیزه در دانشگاه، توسعه بر مبنای نیازسنجی، روند آموزش و یادگیری و ارزیابی کیفیت دانشگاه) است. علاوه بر عوامل علی، عوامل زمینه‌ای چندگانه (سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهانی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزش عالی) و همچنین عوامل مداخله‌گر (ساختار دانشگاه، امکانات آموزشی و پژوهشی و تناسب تقاضا و تقاضا) استراتژی‌ها و راهبردهای پاسخگویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. راهبردهای پاسخگویی شناسایی شده از دیدگاه مدیران ارشد در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران عبارت از جلب مشارکت (دانشجویان و استادان و کارکنان)، تعامل با جامعه (صنعت و دانشگاه، تعامل با نهادها، تعاملات آموزشی و تعاملات پژوهشی) تعاملات برون‌مرزی و تأمین و تخصیص منابع است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از ادراکات مشارکت‌کنندگان نشان داد که به‌کارگیری راهبردهای پاسخگویی در دانشگاه آزاد اسلامی پیامدهایی را در سه سطح دانشجویان (مهارت‌افزایی دانشجویان و ارتقای اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی)، دانشگاه (ارتقای کیفی دانشگاه) و جامعه (رضایت ذینفعان بیرونی، کاهش فرار نخبگان و ارتقای کارآفرینی) در پی خواهد داشت.

دانشگاه در گذار تحولات سالیان گذشته دستخوش تغییرات زیادی از جمله گسترش کمی آموزش عالی و افزایش پذیرش دانشجویان در رشته‌های مختلف شده و همزمان با این پدیده جهانی بافت آموزش عالی ایران نیز تغییرات مشابهی داشته است. دانشگاه در قالب نهادی اجتماعی پس از ورود به بافت‌های مختلف، پیامدهای اجتماعی به همراه دارد که بسیاری از آنها در رده عوامل قابل مشاهده قرار نمی‌گیرد که گاه از نظر شاخص‌های کمی نمی‌توان آنها را اندازه‌گیری کرد. نتایج نشان داد که بالا رفتن سطح دسترسی مردم به آموزش عالی به‌عنوان مطالبه‌ای همگانی حاصل از انباشت نسلی و مبتنی بر قانون اساسی آغازگر سیاست‌های گسترش کمی بوده است که از منظر مشارکت‌کنندگان رد پای آن بر بالا بردن سطح آگاهی، رشد و توسعه شهری، تغییر در سبک زندگی، شکل‌گیری هنجارهای نوین اجتماعی، بی‌ارزش شدن مدرک تحصیلی و دانشگاه، کاهش چشمگیر کیفیت آموزش عالی و اثرهای آن در بحران افزایش منابع انسانی ناکارآمد و افزایش بیکاری‌های منطقه‌ای دیده می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که دانشگاه‌ها باید شکاف بیرونی به بازار کار، جامعه علمی و جامعه مدنی را پر کنند.

رشد و گسترش بسیاری از واحدها و مراکز آموزش عالی در سال‌های اخیر در برخی موارد بدون توجه به حداقل امکانات و استانداردهای آموزشی و پژوهشی و به‌ویژه نیازهای آموزشی و تخصصی واقعی در سطح محلی، منطقه‌ای و کشور و گاهی با بذل توجه به اهداف سیاسی یا منفعت‌طلبانه، نه تنها باری از دوش کشور بر نداشته، بلکه با ایجاد فشار مالی و غیرمالی مضاعف برای جامعه موجبات نارضایتی دانشجویان و دانش‌آموختگان به‌عنوان ذینفعان اصلی را فراهم کرده است. از سوی دیگر، گشایش و رشد کمی رشته‌های آموزشی به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی بدون توجه به آمایش سرزمینی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان راهبردی کشور و صرفاً با هدف جذب دانشجو و بهره‌برداری مالی و پاسخگویی به انگیزه‌های مدرک‌گرایی جوانان موجب هدررفت سرمایه‌های مادی و انسانی شده است و نیز بر تعداد دانش‌آموختگان صرفاً دارای مدرک که بدون شغل و مهارت کافی منطبق با نیازهای جامعه هستند، افزوده است. افزایش خیل دانش‌آموختگان و هماهنگ نبودن آن با بازار کار به‌عنوان زنگ خطری که

مخاطرات اجتماعی بسیاری را در جامعه به همراه دارد، می‌تواند موجب سرخوردگی اجتماعی بشود و راه مهاجرت قشر تحصیل‌کرده به خارج از کشور را هموار سازد که در نتیجه، محرومیت کشور از استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی خود را به همراه دارد.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی به‌عنوان یکی از زیرنظام‌های آموزش عالی ایران، با آسیب‌های مختلفی مواجه‌اند که عملکرد آنها را تحت تأثیر قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که آسیب‌هایی از قبیل خالی ماندن ظرفیت پذیرش، همسان بودن رشته‌های موجود در همجواری، نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه‌ها، ضعف در برقراری ارتباط با بخش‌های به‌کارگیرنده دانش‌آموختگان و ناکافی بودن اعضای هیئت علمی وجود دارد. همچنین این مراکز در زمینه امور مالی نیز با آسیب‌هایی از قبیل وابستگی مالی به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان، نبود وحدت رویه، نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیئت علمی و سایر کارکنان و احتمال بروز مشکلات مالی مواجه‌اند. با توجه به نتایج پژوهش، نیازسنجی مستمر برای تشخیص دقیق و به‌روز نیازهای ذینفعان دانشگاه و برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی بر این اساس و تأسیس نهادی برای رصد وضعیت پاسخگویی در دانشگاه آزاد اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. در این خصوص، ساختار آموزش عالی باید با هدف اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها تغییر یابد و زیرساخت‌های علمی و پژوهشی مد نظر سیاستگذاران قرار گیرد. به‌علاوه، تأمین و تخصیص منابع مالی به دانشگاه‌ها باید با هدف پاسخگویی به نیازهای ذینفعان صورت گیرد، استقلال‌بخشی و آزادی علمی باید در دستور کار سیاستگذاران دانشگاه‌ها قرار گیرد و سیاست‌ها به نحوی اتخاذ شوند که تعاملات علمی و کاربردی داخلی و بین‌المللی دانشگاه‌ها تسهیل شود. مدیران دانشگاه آزاد اسلامی باید خود را برای پاسخگویی به مشتریان تجهیز کنند، ضمن بین‌المللی و جهانی بودن و استفاده از تجارب علمی دیگر کشورها، هویت فرهنگی- مذهبی خود را حفظ کنند، فرایندهای اداره دانشگاه را مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات تغییر دهند و با توجه به افزایش حجم فعالیت دانشگاه، به مدیریت زمان همت گمارند و برنامه‌های راهبردی تدوین و مبتنی بر آن اقدام کنند. در این خصوص، بهبود پاسخگویی دانشگاه‌ها از راه‌های اصلاح مدیریت، مقررات، ارزیابی و نظارت علمی و اقتصادی آنها، توسعه شبکه اطلاع‌رسانی تخصصی، طرح ساماندهی نظام آمار و اطلاعات و مطالعات پایه‌ای می‌تواند بسیار مؤثر باشد. نتایج این پژوهش با برخی از پژوهش‌ها (Jimoh Kayode & Rathankoomar, 2020; Naicker, 2020; Fain, 2019; Speziale, 2012; Rothchild, 2011; Taghipour Zahir & Safaei, 2009; Mozaffari, 2011; Shariati et al., 2019 Malekinia et al., 2018) همسو است. این پژوهش محدودیت‌هایی داشت که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بهره‌مند نبودن از نظرهای دانشجویان، تعدد برداشت‌ها و ناآشنایی بسیاری از مسئولان دانشگاهی با مفهوم پاسخگویی.

پیشنهادها

- با توجه به نتایج پژوهش و اهمیت کارکرد هر یک از شاخص‌های مرتبط با پاسخگویی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
۱. به منظور افزایش انگیزش و ایجاد رضای شغلی، اعطای تسهیلات و امکانات و پرداخت حقوق و مزایا به کارکنان و به‌ویژه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی طبق ضوابط و معیارهای مورد عمل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت گیرد؛
 ۲. نظام شایسته‌سالاری به جای نظام رابطه‌مداری در استخدام‌ها و انتصاب‌ها به کار گرفته شود؛
 ۳. مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی در عمل از رشد کمی بکاهد و به رشد کیفی دانشگاه بیفزاید و از استمرار دیدگاه سیاسی در توسعه کمی آن پرهیز کند؛
 ۴. نیازسنجی مستمر برای تشخیص به‌روز و دقیق نیازهای ذینفعان دانشگاه‌ها و برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه بر مبنای آن صورت گیرد؛
 ۵. نهادی در سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی برای رصد وضعیت پاسخگویی واحدهای دانشگاهی تأسیس شود؛
 ۶. الگوی مشخصی برای پاسخگویی واحدهای دانشگاهی متناسب با مقتضیات استانی ایجاد شود؛
 ۷. سیاستگذاران بیش از پیش به امکانات آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها توجه کنند؛
 ۸. به میزان پاسخگویی واحدهای دانشگاهی به نیازهای ذینفعان در تأمین و تخصیص منابع به دانشگاه‌ها با ایجاد جو رقابتی و اتخاذ سیاست‌های انگیزشی توجه شود؛
 ۹. تعامل دانشگاه با جامعه (داخلی و بین‌المللی) با اتخاذ سیاست‌ها و قوانین مقتضی در این خصوص تسهیل شود؛
 ۱۰. اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی به‌گونه‌ای تدوین شود که امکان نظارت دقیق، کارآمد و مستمر بر آن از طرف نهادهای ناظر قانونی و نهادهای مدنی و مردم میسر و تقویت شود؛
 ۱۱. دانشگاه آزاد اسلامی با بهره‌گیری از کارآفرینی دانشگاهی در عرصه علم نوآور و پیشگام باشد و با عرضه نتایج تحقیقات دانشگاهی به بازار تولید و عرضه فناوری‌های جدید صرفاً به درآمدهای جذب دانشجوی متکی نباشد. به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های کسب درآمد، فروش اموال مازاد است، به شرط آنکه درآمد حاصل از آن برای فعالیتهای سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری صرف شود؛
 ۱۲. شفافیت و گزارش‌دهی در نظام اداری و مبارزه با هرگونه فساد اداری و مالی صورت گیرد؛
 ۱۳. دانشگاه آزاد اسلامی بر اساس فرمایش مقام معظم رهبری باید از علم خود ثروت تولید و آن را به محصول تبدیل کند تا دانشگاهی اثرگذار باشد. مهارت‌محوری، پژوهش‌محوری و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان باید در دستور کار برنامه‌های دانشگاه برای ایجاد یک اصلاح علمی و اقتصادی قرار گیرد.

با توجه به مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد که ضرورت حمایت دولت و مجلس و سایر نهادهای حکومتی از دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان نمادی از مدیریت‌گرایی در آموزش عالی امری بدیهی است، چرا که طی سال‌های اخیر با افزایش نرخ تورم در کشور خسارت‌های مالی زیادی به دانشگاه آزاد اسلامی وارد شده است و در صورت کسری بودجه، کاستی‌هایی در خصوص امکانات تجهیزاتی و آزمایشگاهی، داشتن نیروی انسانی ماهر، راضی و علاقه‌مند و نیز محدودیت‌هایی در فضای فیزیکی مناسب خواهد داشت و به ناچار مجبور به افزایش شهریه یا کاهش کیفیت آموزشی خواهد شد.

References

1. Akbari, P. (2010). The role and importance of productivity. *Political-Economic Information Quarterly*, No. 279 (in Persian).
2. Burke, J.C., & Associates (2005). *Achieving accountability in higher education: Balancing public, academic, and market demands*. San Francisco: Jossey-Bass.
3. Cut, J., & Murray, V. (2000). *Accountability and effectiveness evaluation in Nonprofit Organizations*. Front Cover. Routledge, p. 99.
4. Daigle, S., & Cuocco, P. (2002). *Public accountability & higher education*. Education Center for Applied Research, Research bulten, Retrieved from [www. Educause .edu/ ecar](http://www.Educause.edu/ecar).
5. Fain, P. (2019). Report on accountability and higher Ed's 'Triad'. Latest News on Coronavirus and Higher Education.
6. Farasatkah, M. (2009). The Future View of Iranian Higher Education Quality; A Grounded Theory based Model. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 14 (4), 67-95 (in Persian).
7. Goff, J.M. (2000). *A more comprehensive accountability model*. Ohio University, pp. 2-3.
8. Hadi, R., Rezapour, Y., & Salmanpour, S. (2016). Indicators for measuring the quality of higher education based on Kano model in Urmia University. *Journal of Education and Evaluation*, 9 (34), 50-35 (in Persian).
9. Edjehadi, M. (1998). An analysis of the strengths and weaknesses of the higher education system in the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 17.

10. Jimoh Kayode, D., & Rathankoomar Naicker, S. (2020). An investigation into issues impeding higher education effectiveness in public universities. *Malaysian Online Journal of Educational Management (MOJEM)*, 8(1).
11. Kelchen, R. (2018). *Higher education accountability*. Johns Hopkins University Press.
12. Kikha, A., Abdullahi, H., & Khorsandi Taskooh, A. (2019). Identifying the factors affecting the quality of education from the perspective of higher education professionals and doctoral students. *Quarterly Journal of Management and Planning in Higher Education*, No. 22.
13. Hong-Cheng, L. (2011). *Organizational Accountability in Emergency Management: Examining Typhoon Morakot from Citizens' Perspective*. University of La Verne.
14. Lizzio, A., & Wilson, K. (2009). Student participation in university governance: The role conceptions and sense of efficacy of student representatives on departmental committees. *Studies in Higher Education*, 34 (1), 69-84.
15. Malekinia, E., Malekinia, Z., & Faizi, S. (2018). Strategies required by Iran's higher education system in the age of globalization. *Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies*, 6(24) (in Persian).
16. Mccombs, T.W. (2003). *The relationship between higher education & state government in reference to autonomy & accountability*. New Jersey, Retrieved from www.lib.umi.com/dissertations/fulcit.
17. Milani, O., Qasemzadeh, A., & Hassani, M. (2016). University independence and its relationship with accountability and quality assurance of university services in the higher education system. *Journal of Educational Leadership and Management Research*, 2 (7), 167-147 (in Persian).
18. Mirsapasi, N., Dadash Karimi, Y., & Najaf Beigi, R. (2019). Designing a governance model in the country's higher education. *Scientific Quarterly of Management of Government Organizations*, 7(3) (in Persian).
19. Mohammadi, R. (2008). *A practical guide for conducting internal evaluation in the Iranian higher education system. National and international experiences*. Tehran: Publication Center of the National Education Evaluation Organization. Third edition (in Persian).

20. Mozaffari, G. (2011). Designing and validating the model of accountability of universities to stakeholders. PhD Thesis in Higher Education Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University (in Persian).
21. Naderi, A. (2004). *Economics of education*. Yastroon Publications.
22. Neave, G. (2001). Accountability & Control. *European Journal of Education*, 15(1), 49-60.
23. Nicolo, G., Manes-Rossi, F., Christiaens, J., & Aversano, N. (2020). Accountability through intellectual capital disclosure in Italian Universities. *Journal of Management and Governance*, Vol. 155.
24. Pardakhtchi, M.H., Bazargan, A., Arasteh, H.R., & Mozaffari, G. (2012). Academic society's perceptions on university external accountability gap. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 18 (1), 91-112 (in Persian).
25. Potocan, V., Alfirevic, N., & Nedelko, Z. (2020). *How personal values affect social responsibility in higher education institutions*. Recent Advances in the Roles of Cultural and Personal Values in Organizational Behavior. P. 26.
26. Rezaian, M., Tavakol Kowsari, M.A., & Naveh Ibrahim, A.R. (2017). Analysis of challenges facing Iranian non-governmental non-profit universities and higher education institutions. *Iranian Higher Education Quarterly*, 8 (1), 91-72 (in Persian).
27. Romzek, B.S. (2000). Dynamics of public sector accountability in an era of reform. *International Review of Administrative Sciences*, 66, 21-44.
28. Rothchild, M.T. (2011). *Accountability mechanisms in public multi-campus systems of higher education*. University of Minnesota.
29. Sadeghi, A., Hedayati, A., & Misaghifar, E. (2017). Identifying areas, dimensions and quality indicators of the Iranian teacher education system. *Journal of Research in Teacher Education*, 1(2) (in Persian).
30. Salehi Omran, E., & Hedayati, A. (2018). Conceptualizing the indigenous model of evidence-based policy-m in Iranian higher education. *Journal of Executive Management*, 10(20).

31. Samiei Rad, F., & Ghasemi, Z. (2014). Research accountability of faculty members of Qazvin University of Medical Sciences. *Journal of Education Development in Medical Sciences*, 7(14) (in Persian).
32. Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (2005). *Research methods in behavioral sciences*. Tehran: Agah Publications (in Persian).
33. Shafiee, M., & Arasteh, H.R. (2004). *University-Industry Cooperation*. Encyclopedia of Higher Education. Tehran: Great Persian Encyclopedia Foundation (in Persian).
34. Shariati, F., Amin Beidakhti, A.A., & Najafi, M. (2019). Provide a model for improving the quality of technical and vocational education: According to the requirements of knowledge-based economy. *Quarterly Journal of Research in Educational Systems*, 13(47) (in Persian).
35. Speziale, M.T. (2012). Differentiating higher education accountability in the global setting: A comparison between Boston University and University of Bologna. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 47, 1153-1163.
36. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. 2nd Ed., Thousand Oaks, Sage Publication Inc.
37. Strauss, A., & Corbin, J. (1992). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage Publications.
38. Taghipour Zahir, A., & Safaei, T. (2009). Presenting a model for responding to the managers of the higher education system in Iran. *Journal of Management Research*, No. 82 (in Persian).
39. Tasdighi, M.A. (2002). Participatory management in education with an emphasis on human relations. *Quarterly Journal of Management in Education*, No. 31(in Persian).
40. Towfighi, J., & Farasatkah, M. (2002). Structural components of scientific development in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 8(3), 1-36 (in Persian).
41. Tripathi, M., & Jeevan, V.K.J. (2009). Quality assurance in distance learning libraries. *Quality Assurance in Education*. 17(1), 45-60.
42. Trow, M. (1996). Trust, markets and accountability in higher education: A comparative perspective. *Higher Education Policy*, 9(4), 309-324.